

کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب

سهام گیری موثر سکتور خصوصی در انکشاف افغانستان

ارزیابی کلی

تهیه شده برای کنفرانس محیط توانبخشی

"در توکیو من نظر خود را در مورد انکشاف افغانستان برای تان تشریح نمودم. عناصر کلیدی آن عبارت اند از ایجاد ساختار های اداره سالم، که وحدت ملی و بهبود وضع زندگی مردم ما را تضمین نموده و محیط توانبخشی را برای سکتور خصوصی، موسسات غیر دولتی و کتله های مردمی ایجاد می کند که در آن با همدیگر به خاطر یک افغانستان مرفه و آرام تلاش و همکاری کنند."

"تجربه ما . . . این است که انکشاف دوامدار وقتی ممکن است که مردم جامعه تا سطوح پائینی در مسایل فرصت سهمگیری بیابند و به آنها زمینه و امکانات آن داده شود تا مسئولیت آینده خود را خود به عهده بگیرند. این به مفهوم ظرفیت سازی برای ساختار های جامعه مدنی و بهره گیری از منبع ابتکارات فردی ای است که قرن ها جزئی از روحیه سرشار افغان بوده است. به همین خاطر بسیار حیاتی است تا دولت افغانستان چوکات حقوقی و مالی، شرایط قانونی مناسب و ساختار های با ثبات دیموکراتیک را بسازد. به تعبیر دیگر محیط توانبخشی را ایجاد کند که اعتماد و توسعه ابتکارات خصوصی و زمینه کار مشترک میان بخش عمومی و خصوصی را تشویق و تقویت نماید. . . من به این باورم که اگر شرایط توانبخش ایجاد شود ابتکارات خصوصی و سازمان های جامعه مدنی می توانند به صورت موفقانه در جهت بر آورده شدن اهداف مشترک ما با حکومت کار نمایند."

از بیانیه محترم کریم آغاخان
در کنفرانس لندن در مورد افغانستان
در جلسه گروه عمل
کابل، افغانستان، 11 اپریل 2002

از بیانیه محترم کریم آغاخان
در کنفرانس لندن در مورد افغانستان
لندن، بریطانیای کبیر، 31 جنوری 2006

1	1- پیشگفتار
2	2- مقابله با چابنج های تقویة محیط توانبخشی برای بخش خصوصی
2	(الف) همکاری میان حکومت و بخش خصوصی: انکشاف اقتصادی
2	1. ایجاد و به کار گیری چوکات قانونی برای تنظیم بخش انتفاعی خصوصی
6	2. ایجاد میکانیزم حل منازعات متبادل با در نظر داشت موجودیت یک سیستم قضایی نوپا
7	3. به کارگیری اقداماتی در جهت دستیابی رسمی به زمین
8	4. بهبود وضعیت تولید و توزیع برق
9	5. دستیابی بیشتر به خدمات مالی
10	(ب) همکاری میان دولت و بخش خصوصی: انکشاف اجتماعی
10	6. تقویه یک جامعه مدنی با ترکیب های مختلف، قابل دوام و فعال: اصلاحات حقوقی و مقرراتی
13	7. ایجاد و تقویه برنامه ها به خاطر بالا بردن ظرفیت های کاری افراد
15	(ج) کار مشترک میان بخش خصوصی و جامعه مدنی
15	8. تشویق شرکت ها به ادای مسئولیت های اجتماعی آنها: همکاری میان بخش خصوصی و جامعه مدنی به خاطر سرعت بخشیدن انکشاف
16	(د) جستجوی راه ها برای کار مشترک دولت و بخش خصوص
16	9. نقش ها و مسئولیت ها: تعمیر زیربنای اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی
18	(ه) مشخص ساختن مسئولیت ها و تنظیم تصمیم گیری ها
18	10. مشخص ساختن مسئولیت ها و تنظیم تصمیم گیری ها
19	3- راه آینده: میکانیزم برای پیگیری
20	نتیجه گیری
	ضمایم
21	1. وضعیت نفاذ قانون اولویت که فعالیت های تجاری، تداخل مالی و جامعه مدنی را تنظیم می کند
22	2. خلاصه نقشه راه برای توصیه ها و عملیات
24	3. مأخذها

کنفرانس محیط توانبخشی توسط دولت اسلامی افغانستان و شبکه انکشاف آغا خان و به اشتراک بانک جهانی، برنامه انکشاف ملل متحد و بانک انکشاف آسیایی برگزار گردیده است تا از سهم گیری بیشتر بخش خصوصی در انکشاف افغانستان پشتیبانی شود.

تعريفات

بخش خصوصی در برگیرنده طیفی از فعالیت های شخصی است که بر همه ابعاد انکشاف اثر می افکند. این ها شامل فعالیت های شخصی، داخلی و بین المللی، برای دستیابی به منفعت می گردند (شرکت های چند ملیتی، شرکت های رسمی، تجارت های کوچک و فعالیت های خانوادگی). همچنین فعالیت های غیر انتفاعی داخلی و خارجی شامل این بخش می گردد که به نام جامعه مدنی یاد می شود.

جامعه مدنی متعهد به منفعت رسانیدن به عامه مردم بوده و از انرژی داوطلبان خصوصی نیرو می گیرد. این ها شامل موسسات تعلیمی، صحی، علمی و تحقیقی ای می شوند که فعالیت های خود و یا ارائه خدمات را به صورت رایگان و یا غیر تجارتي (در بدل پرداخت فیس) ارائه می دهند. این ها در برگیرنده سازمان های مسلکی، تجارتي، کارگری، قومی و دیگرانی می شوند که خود را وقف بر آورده ساختن اهداف دینی، وسایل ارتباطی (شامل رسانه نیز می گردد)، محیط زیست و جوامع (تشکیلات قریه ها) نموده اند.

از مشخصات عمده محیط توانبخشی ثبات سیاسی، اعتماد به آینده، اعتماد متقابل، درک همدیگر، گفتگو و همکاری میان گروه های دخیل، حکومت قانون، حفاظت از حقوق اتباع، تنوع و ثبات ساختار های دیموکراتیک و چوکات منظم قانونی، مالی، تنظیمی و اداری می باشد که بر تمام گوشه های ابتکارات خصوصی حاکم بوده، قابل پیشبینی است و به صورت همگون و بیطرفانه تطبیق می شود.

این کنفرانس رهبران، تصمیم گیرندگان و دارندگان اندیشه های ابتکاری از دولت، شورای ملی، تاجران داخلی و خارجی، سازمان های جامعه مدنی، جامعه بین المللی و آژانس های انکشافی را گرد هم جمع نموده تا در این مورد صحبت کنند که چطور می توان زمینه ابتکارات خصوصی را در کشور مساعد ساخت و روی مشکلاتی که در برابر سکتور خصوصی قرار دارد، بحث نموده و راه های برون رفت از این مشکلات را به بررسی گرفت.

کنفرانس قصد انجام کار های ذیل را دارد:

- بررسی موانع و سهولت ها در راه سهمگیری بخش خصوصی در انکشاف افغانستان.
- بررسی این موضوع که تا اکنون حکومت تا چه حد مشکلات را حل نموده و کدام موانع هنوز باقی مانده اند.
- شناخت راه ها و ایجاد توافق نظر در مورد یک نقشه راه با توصیه های مشخص و برداشتن قدم های معین به خاطر سهم گیری هر چه بیشتر بخش خصوصی یک جا با تشخیص مسئولیت ها و تقسیم اوقات برای اجرای آن ها.

برای تدویر کنفرانس یک پروژه آمادگی یک ساله روی دست گرفته شد تا برای مسایلی که در این نوشته از آنها تذکر به عمل

افغانستان بعد از بیرون آمدن از چندین دهه جنگ در بخش های انکشاف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیشرفت های چشمگیری داشته است. سکتور دولتی تحت پروژه رفورم قرار دارد؛ از طریق برنامه های ملی، سرک ها، مکاتب، کلینیک ها و رو بنا های دیگر زیر ساخت اند و این کار زمینه اجرای پروژه های ابتکاری متکی به مردم را مساعد ساخته و سیاست های معقول اقتصادی باعث جلب سرمایه گذاری در کشور گردیده است. علاوه بر آن کمپیک افغانستان (پیمان لندن) و ستراتیژی انکشافی افغانستان نشان دهنده تعهد حکومت افغانستان به خاطر غلبه بر مشکلاتی است که از ناحیه فقر همه گیر، ضرورت بازسازی ساختار های فیزیکی زیربنایی، وضعیت نازک امنیتی و تجارت بزرگ غیر قانونی مواد مخدر به آن مواجه است.

حل این مشکلات ضرورت به استفاده از تمام امکانات کشور را دارد. در حالیکه دولت نقش مرکزی در این تلاش ها را به عهده دارد، تلاش های بخش عامه کافی نیست تا بتوان افغانستان را به یک کشور آرام، مرفه و کثرت گرا تبدیل نمود. به خاطر ایجاد افغانستان عصری و اسلامی مورد نظر، نیاز به آن است تا از منابع موجود در داخل و خارج حکومت استفاده صورت بگیرد.

تشویق بخش خصوصی - هم بخش انتفاعی تجارتي و هم بخش غیر انتفاعی جامعه مدنی - برای پیشرفت افغانستان بسیار حیاتی است. در حالیکه بهبود در ساختار دولتی برای انکشاف کشور ضروری است، تجارب جاهای دیگر نشان داده است که به همکاری بخش خصوصی برای استفاده درست از امکانات بشری موجود در کشور، تولید منابع مادی و ایجاد یک قاعده مستحکم و پویای اجتماعی-اقتصادی نیاز شدید است.

بخش خصوصی چیزی های خوبی را با خود می آورد. بخش خصوصی در ایجاد زمینه برای دستیابی به منابع مالی، فکری و بشری بین المللی و جلب توجه افغان های داخل و افغان های مقیم خارج به بازی کردن نقش سرمایه گذار، داوطلب، مدیر، کارمند، متشبث خصوصی کوچک کمک می کند. این کار سبب می شود تا صلح صاحب یک پایگاه مردمی مطمئن شود. بخش خصوصی در هر دو شکل، بخش انتفاعی و جامعه مدنی، توانایی های سرمایه گذاری و حل مشکلات را با خود داشته و ظرفیت آن را دارند تا مشکلات مردم در حاشیه قرار گرفته را طور عاجل و موثر حل نماید. از این طریق همکاری بخش خصوصی در تکمیل و عملی ساختن برنامه های انکشافی دولت کمک نموده انکشاف اجتماعی و اقتصادی را نیرو می بخشد و باعث تقویه اداره می گردد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و پیمان افغانستان هر دو بر تعهد حکومت به شرکت دادن بخش خصوصی در انکشاف کشور تاکید می ورزند. اما موانع در بکار گیری از ظرفیت های بخش خصوصی بسیار عمده است. یکی از موانع عمده عدم وحدت نظر در مورد نقش سکتور خصوصی می باشد. بسیاری از بازیگران عمده - کمک دهندگان بین المللی، رهبران عالی رتبه حکومت افغانستان و مامورین ملکی میان رتبه - به این نظر اند که دولت باید مسئولیت عمده تلاش ها برای بازسازی را به عهده بگیرد، با وجود این که دلایل زیادی بر خلاف این نظر وجود دارد. قسماً به خاطر نبودن چنین وحدت نظر، مشکلات زیادی در برابر نقشی که باید سکتور خصوصی بازی کند بروز می کند.

آمده چوکاتی بر بنیاد : الف) تحلیل هایی که از سوی تعداد زیادی از موسسات صورت گرفته، ب) صحبت های عمیق با متخصصین، ج) مقالات تحقیقی که به فرمایش کمیته نوشته شده و مطالعه قضایای گذشته، د) یک سلسله میز های منور که در افغانستان و خارج از آن تدویر یافته، ایجاد گردد. هدف از چوکات بندی مسایل این نیست که قضیه بسیار با جزئیات مورد بررسی قرار گیرد، بلکه هدف آن است تا به ساحات قابل تشویش توجه بیشتر صورت گرفته و تشخیص داده شود که در کدام ساحات اقدامات عاجل نیاز بوده و امکان اقدام وجود دارد.

با درک اهمیت برقراری امنیت دوامدار و رابطه با همی میان بد امنی، اقتصاد وابسته به تریاک و فساد مالی، کنفرانس در این مورد توجه دارد که کاری به صورت فوری انجام بگیرد تا سهمگیری بخش خصوصی را تشویق کند.

توقع برده می شود که ایجاد یک محیط توانبخشی می تواند افغانستان را از یک فضای شک و تردید نسبت به آینده برون آورده و آن را به سوی انکشاف، ایجاد شغل، توسعه اجتماعی، بهبود و وضع زندگی مردم افغانستان و ایجاد یک جامعه مدنی پویا در یک محیط سالم اداری و حکومت قانون رهنمونی کند.

این ارزیابی کلی ارایه کننده مسایل و نتیجه گیری های است که از پروسه آمادگی کنفرانس بدست آمده است. مسایل بر اساس نوشته ها، بررسی وقایع گذشته، که به صورت جدا صحافی شده و اشتراک کنندگان به خاطر دستیابی به معلومات عمیق در مورد مسایل خاص می توانند به آن مراجعه کنند. این ارزیابی سوالاتی را که باید در جلسات فرعی کنفرانس مورد بحث قرار گیرد، مطرح می نماید و مشوره های مقدماتی را پیشنهاد نموده و اقداماتی را که باید صورت بگیرد جهت بررسی شرکت کنندگان کنفرانس مطرح می کند.

شرکت کنندگان تشویق می شوند تا این ارزیابی کلی را قبل از شرکت در کنفرانس مطالعه نموده، زیرا این یک سند اساسی است که در کنفرانس مورد بحث و مناقشه قرار می گیرد. موفقیت کنفرانس در نهایت با میزان علاقه مندی شرکت کننده ها، به سهمگیری آنها در مناقشات و تعهد به عملی کردن مشوره های کنفرانس سنجیده می شود.

2. مقابله با چلنج های تقویه محیط توانبخشی برای بخش خصوصی

بخش های ذیل مسایلی را مطرح می کنند که در طول کنفرانس روی آنها بحث صورت خواهد گرفت. این مسایل، خاصاً آنهایی که به محیط توانبخشی مربوط می شوند، به صورت مکرر، منظم و با سر و صدا در طول مشوره های قبل از کنفرانس مطرح گردیده بود. دسته های سوالات مطرح شده عبارت اند از: الف) یک سلسله مسایل که از پروسه آمادگی کنفرانس ریشه گرفته اند، ب) سوالاتی که طی جلسات فرعی مورد مناقشه قرار خواهند گرفت، ج) توصیه های پیشنهادی و اقدامات عملی که برای تصمیم گیری مطرح گردیده است.

الف- کار مشترک دولت و سکتور خصوصی: انکشاف اقتصادی

در حالیکه افغانستان رشد اقتصادی ثابتی را طی پنج سال گذشته حفظ کرده است، شرایط زندگی بسیاری از افغان ها فقیرانه است. به شرکت بخش خصوصی نیاز است تا رشد و انکشاف اقتصادی را با فعالیت و مؤثریت بیشتر از طریق ایجاد شغل، سرمایه گذاری و افزایش در تولید و عرضه بیشتر خدمات سرعت بیشتر بخشد. این بخش مسایلی را مطرح می کند که سرمایه گذاران با آنها در راه توسعه نقش عمده شان در انکشاف کشور مواجه اند.

1- تدوین و عملی ساختن چوکات قانونی و مقرراتی حاکم بر شرکت های انتقاعی

به تدوین همه قوانین ضروری تجارتي برای تاسیس و فعالیت شرکت ها بر اساس اولویت ضرورت شدید احساس می شود تا بتوان سرمایه را جلب و از آن حمایت نمود و انکشاف تشیبات خصوصی را ترویج و تبلیغ نمود. بدون داشتن قوانین لازم تجارتي خطر سرمایه گذاری در افغانستان بالا باقی خواهد ماند و مشکلات دخیل در تاسیس و انجام شغل تجاری دلسرد کننده است. در عین زمان قوانین تجارتي وقتی هدفمند خواهد بود که ظرفیت و اراده سیاسی برای تطبیق همگون، و انجام یکسان و سیستماتیک آن وجود داشته باشد.

مسایل

فارمول بندی و نفاذ قوانین

باوجودیکه، چوکات قانونی هنوز تکمیل نگردیده و این کار باعث ایجاد فضای شک و تردید برای شرکت (و همچنین جامعه مدنی) شده است. قوانینی که وضع شده اند مطابق به معیار های بین المللی اند اما در رابطه با توانمندی دولت در تطبیق و عملی کردن آنها بصورت سیستماتیک و یکسان شکل پیچیده دارند.⁽²⁾

دولت اقدام تجدید قانون سرمایه گذاری خصوصی 2002 کار مثبتی انجام داد. در حال حاضر توجه به تنفیذ قوانین ترجیحی در بخش های تجارتي و مالی متمرکز گردیده است. (به ضمیمه 1 به خاطر فهرست قوانینی که اخیراً توشیح گردیده و قوانین ضروری ای که در پروسه تصویب قرار دارند، مراجعه شود.) تنفیذ این قوانین یک پیشرفت خوب به حساب خواهد آمد. اما مشکلات ذیل هنوز وجود دارند:

- تجار و صنعتکاران فکر می کنند که با آنها در مرحله تسوید و تصویب این قوانین مشوره کافی صورت نگرفته است.
- برخی از قوانین برای دو سال در مرحله آماده سازی قرار داشتند. پروسه تسوید و تصویب قوانین توسط وزارت خانه های مربوطه

و وزارت عدلیه و منظوری آن ها توسط شورای ملی با معطلی های زیاد همراه بوده است.

- حالت شک و تردید در دولت و خارج از آن در مورد تناقض در ترجمه قوانین میان متن ها به زبان های انگلیسی، دری و پشتو بروز نموده است.

- بعضی از قوانین توسط فرمان تقنینی منظور شده اند و انتظار منظوری شورای ملی را می کشند. اگر چه آن ها در حال تطبیق قرار دارند، اما شاید تغییرات در آنها آورده شود. این کار در مورد شکل آخری برخی قوانین حالت عدم یقین را به وجود آورده است.
- میان مرحله به اجرا قرار گرفتن قانون و اعلان آن به مردم یک فاصله زمانی وجود دارد. به صورت کل، قوانین در دسترس عامه قرار نمی گیرند و مکرراً چه از نظر استنباطی و یا از نظر تطبیقی بصورت کامل قابل فهم نمیباشند.

تطبیق قوانین، مقررات و طرز العمل های اداری

بر علاوه از آنچه که در قوانین وجود دارد، بسیاری از موانع در برابر تاجران و صاحبان صنایع در افغانستان از ناحیه تطبیق قوانین و مقررات حاکم بر شرکت ها بروز می کند. مطالعات تحقیقی، بررسی قضایا و مشورت ها به صورت مکرر از عدم پاسخگویی، بیطرفی، قابلیت پیشبینی، پایداری، شفافیت در تطبیق مقررده ها حکایت دارند. بخش های بعدی بر مشکلات عمده در این رابطه روشنی می اندازند.

بسیاری از معاملات، مانند بدست آوردن جواز تجارت و سرمایه گذاری، پرداخت مالیات و یا معاملات واردات و صادرات تابع روش های پر جنجالی و تکراری بوده که اکثرآ غیر واضح بوده و بر همه به صورت یکسان تطبیق نمی شوند. چنین چیزی سبب بوجود آمدن وضعیت غیر قابل پیشبینی شده و امکان استفاده بیشتر از صلاحیت های شخصی در تصمیم گیری ها و فساد را افزایش می دهد. معاملاتی چون صدور جواز و پرداخت مالیه ممکن نیاز کار با چند اداره را داشته باشد، که شامل مراجعه مکرر به یک اداره نیز می شود. این کار سبب می شود تا مصارف کار و بار بالا رفته و باعث بالا رفتن حالت غیر یقینی گردد که از قبل دشوار شده. چنین چیزی سبب دلسردی برای سرمایه گذاری جدید و تدریجی می گردد. تجارت های کوچک و در میانه (SMEs) که ارتباطات و سرمایه کافی برای دستیابی به خدمات مسلکی را ندارند از این موانع اداری بیشتر متضرر می شوند.⁽³⁾ و دقیقاً همین شغلهای تجاری است که توانمندی ایجاد شغل ها را دارد که بالنتیجه باعث بهبود سطح زندگی شهر وندان میشود.

کارمند یک سازمان بین المللی که در ارتباط انکشاف شرکت ها مشغول کار است

" تقریباً غیر ممکن است تا بصورت مسلکی کار تجارت را در این جا پیش برد. قوانین همیشه در تغییر اند و همه کس خواهان فیس بیشتر است.... شما می خواهید تا دست ها را (به علامت دلسردی) بالا انداخته و موضوع را رها کنید. اگر شما جیب های پر (از پول) و وقت زیاد نداشته باشید، کار کردن در این جا را فراموش کنید."

این شرایط سبب می شود تا فساد دائماً در هر دو سکتور دولتی و خصوصی افغانستان افزایش یابد. در اندکس 2005 شفافیت بین المللی فساد، افغانستان در مقام یک صد هفدهم قرار گرفت. یعنی افغانستان در میان کشور هایی قرار گرفته که بیشترین فساد

را داشتند.⁽⁴⁾ فساد باعث افزایش وضعیت غیر یقینی گردیده، باعث تحریف نتایج اقتصادی گردیده و باور به بخش دولتی و بازار را سست می سازد؛ بهر اندازه اینکه در زندگی راه بیابد بهمان اندازه مبارزه در مقابل ان دشوار می شود.

گرداننده بزنس در کابل

"فساد همیشه در افغانستان وجود داشته است. اما در گذشته فساد بسیار وسیع نبود و مردم از گرفتن رشوت شرم می خوردند و آن را به طور سری می گرفتند. کسانی که رشوت می گرفتند به آنها به نظر افراد صاحب اخلاق پائین دیده می شد و جامعه در باره آنها قضاوت می کرد. اما فساد فعلی به یک صنعت پر درآمد تبدیل شده است. هیچ کار دفتری در دایره دولتی بدون پرداخت رشوه انجام نمی شود. هر مهر و امضا از یک مامور دولت در بیل پول گرفته می شود."

در مورد تطبیق چوکات قانونی در سه ساحه بحث صورت می گیرد: ثبت نام و صدور جواز بزنس؛ اداره مالیه، گمرکات

ثبت نام و صدور جواز

با معرفی پروسه ثبت سرمایه گذاری از طریق اداره حمایه سرمایه گذاری افغانستان (آیسا) دولت قسماً موضوع صدور جواز و ثبت بزنس را به حیث اقدام یک مرحله یی حل نمود.⁽⁵⁾ ایجاد پروسه یک مرحله یی ثبت آیسا افغانستان را در سطح جهان در ردیف هفدهم در عرصه سهولت ثبت بزنس قرار داد. این مطلب در سروی دوونگ بزنس بانک جهانی منعکس گردیده است.⁽⁶⁾ اگر چه بزنس ها از ثبت نام از طریق آیسا بهره می برند، اما بسیاری از آنها هنوز سنگینی بار تقاضا های وزارت خانه ها را احساس می کنند. در نقشه راه برای سرمایه گذاران که از سوی وزارت های تجارت و صنایع تهیه شده چنین آمده است: " سرمایه گذاری در 22 بخش نه تنها اینکه باید خود را در بخش محاکم تجارتي وزارت عدلیه ثبت نمایند تا حیثیت یک نهاد حقوقی را کسب نمایند، و جواز آیسا را بدست بیاورند، آنها هم چنین باید جواز سکتوری نیز بدست بیاورند. در حالیکه دادن جواز در بخشی از این سکتور های امکان بالقوه ارزش اقتصادی را دارد، اما در بخش های دیگر دلیل اقتصادی برای دادن چنین جواز به نظر نمی رسد.⁽⁷⁾ حتی در جاهانیکه دلیلی برای صدور جواز اضافی باشد (صحت، مصنویت، حفظ محیط زیست، استفاده از زمین و استفاده از منابع طبیعی) طریقه کسب جواز بسیار جنجالی است."⁽⁸⁾

دو سرمایه گذار خارجی

تجارب دو سرمایه گذار خارجی که اخیراً به تولید دوا آغاز کرده اند نشان دهنده موانع بیروکراتیک می باشد که سرمایه گذاران باید بر آنها غلبه حاصل کنند تا بتوانند به تولید آغاز کنند. تاریخ شروع تولید به خاطر تکمیل کاغذ های ضروری و کسب جواز ها تا دو سال به تعویق افتاد.⁽⁹⁾

قیمت بدست آوردن جواز از آیسا بسیار بلند است: از 240 دالر تا 1,290 دالر. این پول سرمایه گذاران کوچک و در میانه داخلی را از سرمایه گذاری باز می دارد. کم کردن این فیس ها (یا ایجاد ساختار فیس چند طبقه ای که برای بزنس های خورد و در میانه قابل تادیبه باشد) افغانستان در ردیف کشور های پائین قیمت مثل سریلانکا، پاکستان و مالدیو قرار خواهد گرفت و این کار سبب می شود تا بزنس های بیشتری خود را رسماً ثبت نمایند.⁽¹⁰⁾

افغانستان خود را نقطه مرکزی تجارت منطقوی می بیند، اما نظر به گزارش دوونگ بز نس 2007 بانک جهانی افغانستان در درجه یک صد و پنجاه و دوم تجارت های فرامرزی قرار داشت. یازده سند مختلف برای ورود کالا نیاز است و هشت سند دیگر برای صدور کالا ضرورت می باشد. در حالیکه تعداد اسناد در افغانستان مشابه به کشور های دیگر در منطقه جنوب آسیا است، مقدار وقت برای تهیه اسناد بالاترین رقم را در منطقه تشکیل می دهد.⁽¹⁷⁾

مسائل کلیدی:

- بعضی از ساختار جاری مالیات گمرک بصورت موثر در برابر تولیدات داخلی از تبعیض کار می گیرد. تولید کنندگان از این شکایت دارند که ساختار تعرفه های گمرکی طوری هست که اکثر آن ها به مواد اولیه وارداتی به خاطر تولید داخلی مالیه بالا تر نسبت به واردات کالاهای آماده فروش پردازند.⁽¹⁸⁾ یک شرکتی که با ان مصاحبه شد گزارش داد که محصول بالای مواد خام 10 درصد و بالای محصولات آماده فروش دو نیم در صد است. این مشکل بعداً برای شرکت مذکور حل گردید اما حل های موضوعی مشکل را برای دیگران حل نمی کند.
- پیچیدگی در سیستم مالیات گمرکی باعث ایجاد سردرگمی شده، مصارف را بالا برده و زمینه را برای فساد آماده تر می کند. با وجود تنظیم مالیات گمرکی تحت مقرره جدید گمرکات، شرکت ها باید هنوز تعدادی از محصول گمرکی و مالیات و فیس های دیگر را پردازند و این مالیات به طرق مختلف جمع آوری می شوند و مصارف دیگر به شمول مصرف وقت را نیز در بر دارد. مثال های زیادی نشان می دهد که گرفتن پول غیر رسمی توسط مامورین دولت شکل معمول را به خود گرفته است.⁽¹⁹⁾

صادرات میوه و خسته

صادر کنندگان میوه و خسته از وجود سه محل کنترل صادرات تا سرحد پاکستان خیر می دهند که عبارت اند از: کابل، جلال آباد و تورخم. هر دو محل کنترل کارهایی را انجام می دهند که در کابل صورت گرفته و مهر هر سه محل در اسناد ضرور است. این کار به مصرف وقت و پول بیشتر نیاز دارد (که سه برابر قیمت مواد مورد نظر است)، در حالی که یک محل کنترل صادرات شاید کافی خواهد بود. (از قضایای جمع آوری شده برای کنفرانس)

بانک جهانی در مورد این مشکل چنین نتیجه گیری می کند:

" افغانستان می تواند با کم کردن بیروگرایی در سیستم واردات و صادرات تجارت خود را رونق بخشیده، قاچاق و فساد در ادارات گمرک را کم کند. با معرفی اصلاحات بسیط می توان دست آورد های بزرگی داشت. این اصلاحات باید شامل معیاری ساختن اسناد و از میان بردن اسناد غیر ضرور شود.⁽²⁰⁾

به صورت کل در نتیجه اصلاحات جدید، افغانستان صاحب یک سیستم مالیه گردیده است که میزان آن در حد معقول بوده و در روی کاغذ نسبت به یک عده کشور های دیگر چندان بزرگ معلوم نمی شود. افغانستان در بررسی های 2007 دوونگ بز نس از جمله 175 کشور مقام سی ام را در آسانی پرداخت مالیات از آن خود کرد.⁽¹¹⁾ اما عملی کردن قانون مالیه یکسان نبوده مالیه دهنده گان معمولاً با محیط مالیاتی غیر قابل پیشبینی و نا همگون رو برو شده و این کار منافع سیستم ساده پرداخت مالیه را بی اثر می سازد.

نکات کلیدی مطرح شده قرار ذیل اند:

- بعضی از سرمایه گذاران شکایت کرده اند که دولت به قرارداد ها و موافقت نامه عمل نکرده است. پس گرفتن تصمیم 2002 دولت در مورد عدم اخذ مالیه از سرمایه گذاران یکی از موضوعات مطرح شده در این رابطه می باشد. در حالیکه دولت پس گرفتن این تصمیم را به خاطر موجودیت طرق کاری نا مناسب در آن زمان توجیه می کند⁽¹²⁾، بسیاری از سرمایه گذاران که به افغانستان آمدند در مورد پروژه انجام شده و این موضوع که در قدم اول چه کسی صلاحیت این را داشت تا آنها را از دادن مالیه معاف کند برداشت واضح نداشتند.⁽¹³⁾
- تعدادی از مالیات صکوک⁽¹⁴⁾ و مالیات مزاحم دیگر که اکثراً توسط مامورین مستوفیت و مقامات دیگر (مثل وزارت خانه های مربوط، و شهرداری) گرفته می شود. نشنل بسنس اجندا در سال 2006 مشکلات را به شکل ذیل تشریح می کند: "جامعه تجاری ما با تعدادی از مالیات مزاحم مواجه است. این ها مالیاتی اند که عواید کمی از آن ها بدست می آید، اما به خاطر روش پیچیده حصول آنها، عدم شفافیت و عملی ساختن آن با شیوه های فاسد، به حیث یک عامل بازدارنده در انکشاف تجارت و افزایش شغل عمل می کند. بانک جهانی تخمین می زند که افغانستان تقریباً 90 نوع مالیه دارد و نیمی از آنها سالانه کمتر از 21000 دالر عاید دارند. این کار سبب می شود تا تلاش های مشروع دولت مرکزی برای جمع آوری مالیات ضعیف گردد.⁽¹⁵⁾
- صاحبان صنایع و شرکت ها به صورت مکرر گزارش می دهند که حساب مالیاتی که آنها به مستوفیت و گمرکات می پردازند غیر واضح است. به گونه مثال، تطبیق مالیات ثابت اکثراً به صورت مستبدانه صورت می گیرد و شرکت های ثبت نشده و آنهایی که اسناد معتبر ندارند اکثراً با تخمین مالیات بلند و غیر قابل پیشبینی مواجه می شوند.⁽¹⁶⁾

شرکت های خورد و متوسط

" یک شرکت نوع خورد و متوسط گزارش داد که یک کارمند آن شرکت دو هفته را در تحویل مالیه به مستوفیت سپری کرد، زیرا کارمند مذکور نمی خواست پولی بدون گرفتن رسید بپردازد. حتی معلومات ارائه شده از دفتر مالیه پردازان بزرگ، که در مسلکی بودن شهرت دارد، در مورد اینکه چه مقدار مالیه بر فروش محصولات داخلی وضع می گردد، متناقض بود. طبعاً برای یک شرکت ضعیف بسیار مشکل است که نداند که ما چقدر مالیه در گذشته و حال پرداخته ایم."

در جواب مشکل صکوک و مالیات جنجال بر انگیز وزارت مالیه بالای این موضوع کار می کند تا تعیین کند کدام مالیات قانونی و کدام غیر قانونی اند تا مالیات غیر قانونی از میان برداشته شود.

گمرکات

سوالات برای مناقشه

نمبر شناخت مالیه دهی گردد. به جز از دلایل صحی، ایمنی، حفاظت از محیط زیست، استفاده زمین و دستیابی به منابع طبیعی باید مسایل دیگر از ضرورت های ثبت نام خارج ساخته شوند

1.5. محل واحدی برای جمع آوری مالیه و عواید دیگر دولت در ساحة صلاحیت فرد ایجاد شود.

1.6. مقررات گمرکی باید بصورت همسان در سر تاسر کشور تطبیق گردد و تعهد صورت بگیرد که یک مدت متوسط برای ورود و صدور کالا در راستای بهترین طرز العمل در منطقه تعیین گردد(وقت کم از کم به نیم مدت فعلی تقلیل یابد).

• اولویت های قانون گذاری کدام اند؟ چطور می توان تدوین قانون را سرعت بخشید بدون اینکه بر اصل مشوره های متمر با سرمایه گذاران و احترام به پروسه تدوین قانون پشت پا زد؟

• تا کدام حد سرمایه گذاران افغان و خارجی و شرکت ها توانسته اند به قوانین ضروری ای که اخیراً تصویب شده دسترسی داشته باشند؟ چطور می توان جریان اطلاعات را بهبود بخشید؟ چه قدم های مشخصی باید برداشته شود؟

• چه نوع تغییرات در پروسه اعطای جواز و ثبت می تواند پروسه فعلی را منظم تر سازد؟ از تجارب ایسا چه درس هایی می توان گرفت، مخصوصاً در رابطه با شرکت های کوچک؟ تا کدام حد دادن جواز خاص به صنایع می تواند حذف شود؟ و در کدام موارد چنین جواز قابل توجیه است؟

• کدام لوايح و طرق کاری دیگر می تواند منظم تر شوند؟

• آیا روش "خرید همه ضروریات از یک محل" می تواند در ساحات جمع آوری مالیه و گمرکات موثر باشد تا بدین وسیله روش های خسته کن کنار گذاشته شده و زمینه فساد از میان برداشته شود؟

• چطور می توان شفافیت و تفاهم را جزئی از پروسه ثبت نام، برقراری مالیه و گمرکات ساخت؟ کدام شکل گفت و شنود و تماس بسیار موثر است؟

• آیا فرار از مالیه عمومیت داشته و گسترده است؟ آیا یک بخش اقتصاد بصورت بی انصافانه تحت مالیه قرار میگیرند؟ آیا روند حل معضلات ناشی از مالیه برای شاغلین شغل های تجاری هزینه زیاد را بار می آورد.

مشوره ها و اقدامات پیشنهادی

1.0. قوانین کلیدی نافذ و یا عملی گردیده و به آن ها عمل شود. این کار اساس حقوقی و چوکات قانونی ای را تشکیل خواهد داد که بر اساس آن بتوان فعالیت سکتور خصوصی در انکشاف اجتماعی و اقتصادی افغانستان را تشویق نمود. قوانین و مقررات باید (1) بسیار مشخص و شفاف باشند؛ (2) هر چه بیشتر منظم بوده و کم ترین مراحل بیروکراتیک و ساختاری را در تطبیق خود نیاز داشته باشند؛ (3) تصمیم گیری های فردی را کم کند (4) و تطبیق آن قابل پیشبینی بوده و به صورت همسان، کامل و غیر جانبدارانه تطبیق گردد.

1.1. قوانین لازم باید نافذ شود تا چوکات قانونی و حقوقی حاکم بر فعالیت بخش خصوصی در انکشاف اجتماعی و اقتصادی تکمیل و تجدید گردد.

1.2. اصول و طرز العمل به خاطر شرکت بخش خصوصی در مشوره های بروقت و متمر در پروسه آماده سازی پیش نویس قوانین و مقررات، باید تعیین گردد.

1.3. این اصل باید برقرار شود که هیچ قانون تا آن وقت نباید تطبیق شود که در جریده رسمی نشر نشده و کاپی آن به صورت برنامه های کمپیوتری و چاپ شده در کاغذ به طور رایگان دریک جای و شیوه موافقه شده آماده توزیع نگردیده باشد.

1.4. تمام ارگان های ثبت بخش خصوصی در یک مجموعه گرد آورده شده و خدمات آن ها شامل شرکت های کوچک و توزیع

2. میکانیزم حل منازعات بدیل با در نظر داشت سیستم قضایی نامکمل

مسئله کلیدی در این رابطه این است که چطور می توان این قوانین را به صورت عاجل و موثر تطبیق کرد:

- ساختار و معیار باید برای فعالیت مورد ضرورت شان ایجاد شود.
- ظرفیت برای حکمیت و میانجیگری باید ایجاد گردد. این موضوع برای حکمیت حیاتی است زیرا تصامیم آن نهایی و قابل تطبیق می باشد.
- اطلاعات و آگاهی عامه درمورد توانایی ها و نحوه کار سیستم حکمیت و میانجیگری فعلا وجود ندارد.

مسائل

گزارش 2007 دوونگ بز نس افغانستان را در ردیف 165 (از جمله 175) در ارتباط به تطبیق قراردادها قرار داده است. این گزارش وقت متوسط عملی کردن قرار داد را چهارنیم سال و مصرف 25 در صد پول شامل قرارداد به خاطر تطبیق آن پیشینی نموده است. (22) در نتیجه شرکت ها ترجیح می دهند تا حل منازعات و میانجی گری از طرق غیر رسمی مانند سیستم شورایی صورت بگیرد (23) و یا وقتی که بتوانند بر موسسات دیگر مثل اتاق تجارت، آیسا و وزارت تجارت اعتماد می کنند. حل منازعات محدود به منازعه میان دو شرکت شخصی نمی شود، بلکه حل منازعه میان دولت و شرکت های خصوصی عین اهمیت را دارد.

سوالات برای مناقشه

- کدام راه های بدیل حل منازعات در افغانستان امروزی بیشتر معمول است؟ این راه چطور می تواند بیشتر انکشاف داده شود؟ این ها چطور می توانند با میکانیزم پیشینی شده در قانون به حیات خود ادامه دهند؟
- تا چه حد دعوا بزرگ بوده می تواند تا بتوان آن را با استفاده از قانون حکمیت و میانجیگری حل نمود؟ آیا این قانون می تواند در منازعات غیر تجارتي نیز مورد استفاده قرار گیرد؟ آیا این قوانین می توانند در بر گیرنده منازعات میان افراد و حکومت و منازعه میان طرف خصوصی باشند؟

- مهمترین دشواری های قابل پیشینی در تطبیق قوانین حکمیت و میانجیگری چه خواهد بود؟ چه قدم هایی به خاطر تطبیق موثر این قوانین باید برداشته شود.
- سیستم قضایی و محاکم افغانستان چگونه به موجودیت، حکمیت و ساحه صلاحیت میکانیزم جدید حل منازعات اعتراف خواهد کرد؟ اگر چنین است چطور می شود آنرا مرتب کرد؟
- چطور می توان ظرفیت ها را ایجاد کرد تا اجراءات این محاکم به معیار های عالی و با مشروعیت بیشتر صورت گرفته بتواند؟

مشوره ها اقدامات پیشنهادی

2.0 ظرفیت برای ساختار های حکمیتی و میانجیگری بالا برده شده تا آنها بتواند در حل منازعات طور موثر، حساس و بیطرف عمل کنند.

2.1 صلاحیت ساختار های حکمیتی و میانجیگری در حل منازعات میان شخص و شخص و میان دولت و شخص باید مورد شناسایی قرار گرفته و بررسی بر منازعات بالای زمین نیز به آنها محول گردد.

2.2 باید از کفایت و شفافیت کاری این ساختار از طریق تعیین معیار ها و بالا بردن ظرفیت حکم ها، میانجگران و قانون دانان یقین حاصل شود.

قانون گذاری جدید

قانون حکمیت تجارتي و قانون میانجیگری تجارتي، که در جنوری 2007 توسط رئیس جمهور امضا شد ولی تا اکنون شورای ملی آن را تصویب نکرده است، قاعده ای را برای حل منازعات از طرق بدیل فراهم می کند. این قوانین طرز العمل را به اساس بهترین طرق معمول در جهان تعیین میکند. این قوانین زمینه حل منازعات تجارتي را از طریق حکمیت قابل تطبیق در افغانستان مساعد می سازد. این روش می تواند مورد استفاده شرکت های افغانی و خارجی و افراد قرار گیرد. این محاکم می توانند اساسی برای حل منازعات غیر تجارتي قرار گیرند.

3. تطبیق اقدامات در جهت دستیابی به زمین

سوالات برای مناقشه

- با نظر داشت وقتی که برای دستیابی به قباله نیاز است، کدام راه قصیر‌المدت برای دستیابی رسمی به زمین قابل قبول و عملی است؟
- چطور می‌توان شیوه ثبت زمین را ساده و کوتاه ساخت؟ چطور می‌توان مصرف این کار را پائین آورد؟
- کدام اقدامات مشخص دستیابی سرمایه‌گذاران خارجی به زمین را به خاطر سرمایه‌گذاری آسان خواهد ساخت؟ آیا می‌توان قوانین مشخصی در مورد یک شرکت افغانی با سرمایه‌گذاری قسمی خارجی ساخت؟ اگر مالکیت زمین برای خارجی‌ها مجاز نباشد، آیا می‌توان مدت اجاره زمین را بالا برد؟
- کدام میکانیزم حل منازعات می‌تواند منازعه بر سر زمین را به صورت موثر و سریع حل نماید؟
- چطور زون‌های خاص اقتصادی و پارک‌های صنعتی می‌تواند دسترسی به زمین را افزایش دهد؟ در این ساحه چه کار اضافی انجام یافته می‌تواند؟

توصیه‌ها و اقدامات پیشنهادی

3.0 اقداماتی صورت بگیرد که زمینه دستیابی به زمین را مساعد ساخته و این کار شامل مشخص نمودن مالک زمین و دادن سند ملکیت به او و همچنین طولانی ساختن مدت اجازه زمین می‌گردد.

- 3.1 پالیسی زمین تدوین شود که در برگیرنده مسایل ذیل باشد:
چوکات قانونی برای ثبت زمین، حل منازعات زمین از طریق محاکم به شمول استفاده از سیستم‌های اجتماعی، و رسمی سازی زمین‌هایی که به صورت غیر رسمی در اختیار آنها قرار دارند و به شمول قانون سازی در مورد تصاحب اجباری زمین.
- 3.2 عملیه انتقال مالکیت بر زمین‌های دولتی و خصوصی ساخته شود.
- 3.3 به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه داده شود تا به زمین از طریق اجاره‌های طویل‌المدت دسترسی پیدا کنند و به حکومت اجازه داده شود تا با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی قرارداد‌های واگذاری زمین به مدت طولانی را عقد کند.

دستیابی به زمین با حق مالکیت قانونی برای انکشاف بخش خصوصی بسیار حیاتی است. دسترسی نا مطمئن به زمین نه تنها اینکه سرمایه‌گذاران خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری جدید نمی‌کند بلکه از اصلاح و توسعه تاسیسات موجود نیز جلوگیری می‌کند. در حالیکه مالکیت بر زمین نا مشخص باشد، کسانی که زمین را در اختیار دارند نمی‌توانند از آن به حیث ضمانت برای گرفتن قرضه استفاده نمایند.

مسایل

سیستم حقوقی نا مشخص، نا منظم و متداخل بر مالکیت زمین در افغانستان حاکم است. قباله‌ها، اسناد مالکیت و اسناد ثبت زمین اکثراً از میان رفته و شواهد مالکیت بر زمین، در جایی که وجود داشته باشد، اکثراً به ثبت نرسیده و مورد نزاع با مدعیان دیگر مالکیت زمین قرار دارد. بسیاری از زمین‌ها، مخصوصاً در شهرها، به صورت غیر رسمی در اختیار مردم قرار دارد. در عین زمان ساختارهای رسمی به خاطر انتقال مالکیت زمین و حل منازعات مربوط به زمین ناکافی بوده و مکرراً و خیلی آسان با فساد آغشته می‌باشد.

افغانستان در زمره 175 کشور در ردیف 169 در رابطه با ثبت اسناد مالکیت قرار دارد. در سروی بانک جهانی که در سال 2007 صورت گرفته آمده که دست‌یابی به زمین 11 مرحله دارد و به طور متوسط 252 روز را در بر گرفته و به 9 و نیم فیصد ارزش زمین مصرف نیاز دارد. این ارقام نسبت به کشورهای دیگر منطقه و بسیاری از کشورهای پیشرفته بیش از حد وقت گیر و گران است.

سرمایه‌گذاران خارجی، شرکت‌های داخلی و سازمان‌های جامعه مدنی همه در رابطه به دستیابی به زمین با مشکل مواجه اند:

- سرمایه‌گذاران خارجی: وضعیت غیر یقینی در مورد زمین سبب شده تا تعدادی از سرمایه‌گذاران بزرگ از داخل شدن در بازار افغانستان خود داری کنند. شرکت‌های خارجی حق خریداری زمین در افغانستان را ندارند و حتی شرکت‌های ثبت شده در افغانستان و با سرمایه‌گذاری خارجی از دستیابی به زمین محروم گردیده‌اند که این کار ظاهراً با قانون اساسی افغانستان در تناقض قرار دارد. مدت زمان اجاره برای سرمایه‌گذاری بسیار کوتاه است. قانون سرمایه‌گذاری خصوصی اجازه اجاره تا مدت 30 سال را در میان ساختارهای خصوصی می‌دهد، اما زمین‌های دولتی حد اعظم تا 3 سال به اجاره داده شده می‌تواند.
- شرکت‌های کوچک و متوسط از یک سلسله تشویش‌های خاصی گزارش داده‌اند: " مسئله این نیست که دولت انتقال اسناد مالکیت را معطل ساخته است، بلکه مشکلات از ناحیه مسایل ذیل بوجود می‌آید: (1) فساد انتقال مالکیت را بسیار مشکل و نهایت پر مصرف ساخته است، (2) ادعاهای مالکیت مطابق به اسناد ثبت شده نیست و (3) جعل اسناد و ادعا در مورد مالکیت زمین بسیار وسیع است. (قضیه بررسی شده در رابطه به کنفرانس)
- سازمان‌های جامعه مدنی برای دستیابی به زمین به خاطر انجام فعالیت‌های شان باید با منافع زورمندان مقابله کنند. یکی از این سازمان‌ها در اوایل سال 2006 از دولت در کابل زمین خرید. با وجود گرفتن قباله زمین به یک سرمایه‌گذار بزرگ به اجاره داده شد. تنها به کمک مطبوعات و مامورین دیگر موضوع مطابق به خواست سازمان مذکور حل گردید.

4. - بالا بردن سطح تولید برق و توزیع برق در سر تاسر افغانستان

ظرفیت ناکافی تولید، انتقال و توزیع برق یک محدودیت عمده در راه انکشاف اجتماعی-اقتصادی افغانستان بوده و به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی تاثیر دارد. تولید برق از کیفیت پایان برخوردار است. این بدان مفهوم است که ولتج برق در حال نوسان است که در نتیجه باعث سوختن و خرابی وسایل برقی می گردد. قطع جریان برق معمول است. تنها 7 در صد مردم به به شبکه برق وصل شده اند. برای صارفین فعلی تولید کافی نیست. برق شبکه عمومی در شبانه روز فقط چند ساعت موجود است. ما در باره ضرورت های برق به مناطق روستایی به خاطر رشد اقتصادی چیزی نگفته ایم. بار صنعتی برق در حقیقت وجود ندارد. عموماً موافقه شده است که این مسله یک مانع عمده بخاطر انکشاف افزونتر اقتصادی و اجتماعی بوده است.

مسائل

مشکلات در راه دستیابی به برق در سر تا سر افغانستان بسیار زیاد است:

- تولید برق در برابر تقاضا برای آن فوق العاده ناکافی است. در حالیکه وسایل تولید برق در بسیاری از مناطق تخریب گردید، اما مناطقی در کشور است که هیچ وقت به برق دسترسی نداشت.
- طول زمانی برای تطبیق ماستر پلان سکتور برق نظر به ضرورت های مبرم بسیار طویل المدت است.
- مصرف بالای تولید برق از طریق جنریتور های دیزلی آن را برای اکثریت مردم غیر قابل دسترسی می سازد. (قیمت برق از جنریتور دیزلی نسبت برق شبکه پنج مرتبه قیمت تر است). این کار سبب شده تا تنها از این طریق برق محدودی در ساحاتی تولید شود که به برق شبکه دسترسی ندارند.
- ظرفیت تخنیکی برای فعال نگهداشتن سیستم برقی با طاقت بالا در مناطق روستایی وجود ندارد.
- یکبار که عرضه بلند رفت، توقع برده می شود که شبکه های محلی توزیع برق به حیث یک مانع در راه رسیدن برق به مردم دست اخیر گردد.⁽²⁶⁾
- در مورد نقش وزارت انرژی و آب، ریاست برق افغانستان و ساختار های شخصی انتقاعی و غیر انتقاعی که به تولید برق علاقه مند اند، و خاصاً این مطلب در چارتر ریاست برق که خود را یگانه ارگان تهیه کننده برق می خواند ابهاماتی وجود دارد.
- گزینه های مختلف به خاطر افزایش ظرفیت و تولید در ماستر پلان سکتور برق سال 2003 مورد تحلیل قرار گرفت. در این پلان وارد نمودن برق ارزان از آسیای مرکزی (کار بالای آن جریان دارد)، افزایش در تولید داخلی با استفاده از گاز طبیعی در شیرغان (کار آن به تعویق افتیده است) باز سازی و توسعه برق آبی موجود به خاطر استفاده در کابل و جا های دیگر (کار آن جریان دارد) شامل بود.
- افزایش تولید برق قسماً باید با ادامه سرمایه گذاری در بخش دولتی و استفاده از امکانات بالقوه بخش خصوصی داخلی (و احتمالاً خارجی) که خواهان تولید و توزیع برق اند، صورت می گیرد. پالیسی عمل در این مورد ساده بوده و آن ایجاد زمینه سازگار است. در حالیکه موانع مشهود قانونی در راه تهیه برق از طریق سکتور خصوصی وجود ندارد، اما یک خلای پالیسی و

و قانونی وجود دارد و خطر بالقوه ایجاد موانع به شکل مداخله مامورین محلی و شرکت های خدمات دولتی وجود دارد. علاوه بر آن مسایل مربوط به مقرره های ایمنی و معیار های تخنیکی و ضمانت ها برای نرخ برق به منظور جلب اعتماد و اطمینان در آغاز کار نیاز است.

امکان بالقوه برای فعالیت تامین کنندگان کوچک و متوسط برق در شهر های کوچک، به خصوص آنهایی که در نزدیکی خط انتقال برق قرار ندارند، وجود دارد و آنها می توانند در جهت تلاش ها برای تامین برق قابل اعتبار و با کیفیت همکاری کنند.

تامین برق به مناطق روستایی (با دادن نوعی کمکی که دوامدار نخواهد بود) نمی تواند خواسته های اساسی را مرفوع سازد. چنین کاری ممکن در یک خلای پالیسی انجام شود بدون این که یک چوکات ساختاری برای نظارت دولتی وجود داشته باشد. انکشاف اقتصادی روستایی افغانستان می تواند با تهیه برق به مناطق روستایی و تاکید بیشتر بر استفاده از برق در پروژه های تولیدی تقویه گردد. برای اکثریت باشندگان روستا ها وصل شدن به شبکه عمومی برق ممکن یک انتخاب عملی در آینده قابل پیشبینی نباشد و توجه باید به این مسئله صورت بگیرد که مناسبترین وسیله تولید برای هر منطقه کدام است و در این راه از تجارب ساختاری شرکت های متوسط و کوچک و جوامع محلی و جامعه مدنی استفاده شود.⁽²⁷⁾

تقاضای بلند برای برق و امکان انکشاف بخش انرژی برق می رساند که فرصت هایی به سهمگیری بخش خصوصی در بخش تولید انرژی برق در افغانستان در تمام سطوح وجود دارد. یعنی برای سرمایه داخلی و خارجی، برای سهمگیری تمام اشکال بخش خصوصی، برای شرکت های بزرگ چندین ملیتی و پروژه های کوچک امکان شرکت در پروژه های تولید و توزیع وجود دارد.

سوالات برای مناقشه

- موانع عمده برای انکشاف نقش ها برای تولید و توزیع برق از طرف بخش خصوصی هم در شهر ها و هم در روستاها وجود دارد؟ این نقش را چگونه بررسی می کنید؟
- پاسخ های مشخص برای افزایش در تولید و توزیع انرژی برق برای مراکز عمده شهری کدام است؟ برای مناطق کوچک شهری؟ برای مناطق روستایی؟
- کدام رفرم ها در وزارت انرژی و آب و ریاست برق افغانستان ضرورت است تا به سهمگیری بخش خصوصی تولید و توزیع برق فرصت داده شود؟ به کدام چوکات به رسیدن به این هدف نیاز است؟
- محتوای پالیسی تولید برق یک شهر کوچک و یا مناطق روستایی باید چه باشد؟ چگونه انکشاف این پالیسی می تواند در آینده نزدیک به پیش برده شود؟
- آیا ایجاد شراکت میان دولت و بخش خصوصی (پی پی پی) به خاطر تولید و توزیع برق یک کار مناسب است؟ چطور می توان به تشویب های بخش خصوصی پاسخ گفت، مخصوصاً پابندی به یک ساختار معقول سیستم تادیه، تضمین پرداخت و غیره؟

با وجود پیشرفت های قابل ملاحظه از سال 2002 تا اکنون (مانند تدوین قوانین اولیه، اصلاحات در بانک مرکزی افغانستان، معرفی پول جدید، دادن جواز فعالیت به 15 بانک خصوصی و انکشاف قرضه های کوچک)، دستیابی، تحویلهای، و خدمات مالی موجود در افغانستان پاسخگوی تقاضاها در این کشور نیست. شرکتها تقریباً هیچ دسترسی به قرضه بانکی ندارند و بلکه تنها به خدمات محدود بانکی دسترسی دارند. در آخرین گزارش دوونگ بز نس (2007)، افغانستان از نگاه سهولت گرفتن قرضه در جمله 175 کشور مقام یکصد و هفتاد چهارم را دارد.

مسایل

مشکلات نه تنها از چوکات قانونی منشأ می گیرند که تا اکنون انجام نه شده است، بلکه ریشه در نبود ظرفیت های ساختاری و عدم تجربه در تمام سطوح نیز دارد:

- چوکات قانونی برای خدمات مالی تا اکنون تکمیل نگردیده است. د افغانستان بانک در حال تدوین قوانینی دیگر است تا زمینه دادن قرضه به بخش خصوصی را به شکل ذیل توسعه دهد: داد و ستد مصئون/ قانون قرضه به خاطر خرید جایداد و قانون اسناد قانونی قابل مذاکره ولی تطبیق این دو قانون مشکل خواهد بود.
- جامعه بانکداری تجارتي به د افغانستان بانک به نظر سازمانی نمی نگرند که به صورت درست و همگون بتواند تعادل منطقی را میان انکشاف بخش ایجاد کننده تسهیلات و تطبیق قوانین به صورت معقول برقرار کند. ظرفیت نظارتی د افغانستان بانک در مراحل ابتدایی قرار دارد.
- ساختار مجدد بانک های دولتی که جواز فعالیت مجدد را دریافت کرده اند تا حالا تکمیل نشده است و بانک هایی که جواز فعالیت دریافت نکرده اند تا اکنون منحل نگردیده اند. تا این کار صورت نگیرد فرهنگ قرضه ضعیف خواهد ماند و بخش مالی شکل کاملاً رقابتی نخواهد داشت.
- بانک ها در افغانستان به متقبل شدن خطر تمایلی ندارند و نمی خواهند به متقاضیان جدید، حتی به سرمایه گذاران خوشنام بدون اخذ ضمانت جایداد قرضه بدهند. برنامه های قرضه شرکت های کوچک و در میانه به پاسخگویی به تقاضاها آغاز نموده است اما این کار به پیمانۀ بالا نرسیده است.
- موسسات مالی به صورت عمومی ظرفیت ارائه خدمات مالی را دارا نیستند. مهارت ها و تجارب در تمام سطوح سکتور مالی، از مامورین قرضه گرفته تا مفتشین، ناچیز است.
- دادن قرضه به خاطر پائین بودن اعتبار کردیتی خود شرکت ها یا ناتوانی در نشاندهی اعتبار کردیتی (نبود اسناد و تاریخچه مالی و ضمانت غیر جایداد) محدود است.
- موسسات مالی کوچک تا اکنون به این قادر نشده اند تا به منابع مالی تجارتي دسترسی پیدا کنند و هنوز هم تا حدود زیادی وابسته به تمویل از طریق های کمک های بلا عوض اند.
- شرکت های افغانی دسترسی به خدمات بیمه به صورت مطلق را ندارند که یک مانع عمده در برابر بسیاری از فعالیت تجارتي می باشد. این واضح ترین خلا در سلسله محصولات مالی است که تا این تاریخ عرضه گردیده است.

4.0 سهمگیری بخش خصوصی در تولید و توزیع انرژی برق در مناطق و روستاها تسریع گردد.

4.1 چوکات قانونی به خاطر اجازه دادن و تشویق بخش خصوصی (انتفاعی و غیر انتفاعی) برای سهمگیری در تولید و توزیع انرژی برق به شمول ایجاد فعالیت مشترک بخش خصوصی و بخش دولتی.

4.2 ابتکارات به خاطر تولید انرژی برق باید تعقیب شود: (الف) پروژه تولید برق شیرغان با استفاده از گاز طبیعی، (ب) تمدید لین انتقال ولتاژ بلند از تاجکستان.

4.3 ابتکارات جدید به خاطر ایجاد دستگاه های مولد کوچک و متوسط برق در شهر های کوچک و دستگاه تولید برق روستایی به شمول دستگاه های کوچک برق آبی.

برنامه های اصلاحات دیگر در سکتور های مالی و خصوصی تحت کار است و تا سال 2008 مکمل خواهد شد. این برنامه شامل موارد ذیل می باشند: (1) تشکیل یک چوکات قانونی ایجاد کننده سهولت برای انکشاف سکتور خصوصی، (2) تقویة چوکات نظارتی برای موسسات مالی به شمول تنظیم قرضه های کوچک که در سال 2006 منظور گردید، (3) ظرفیت سازی برای موسسات مالی (4) انتخاب عملی سازی معیار های ملی محاسبه و تقویت.

سولات برای مناقشه

- حتی شرکت های بزرگ در کابل تمویل خود از طریق بانک را کار مشکل می یابند و به بانک ها مراجعه نمی کنند. دلیل این کار چیست و به چه چیز نیاز است تا دسترسی به منابع تمویل افزایش یابد؟
- چرا بانک های تجارتی به شرکت های کوچک به حیث یک منبع مارکیت بالقوه برای سرمایه گذاری دوام دار نمی نگرند، در حالیکه برخی از موسسات عمده مالی به آن به نظر فرصت خوب تجارتی می بینند؟" چه اقداماتی باید صورت بگیرد تا سبب افزایش در تمویل شرکت های کوچک و متوسط گردد؟
- مشکلات مشخص در قسمت توسعه برنامه قرضه های کوچک به تمام افغانستان کدام ها اند؟ چطور می توان موسسات قرضه های کوچک را تابع سکتور مالی ساخت تا بتوانند از بانک های تجارتی پول بدست آورند؟
- عدم ظرفیت انسانی در سیستم بانکداری تا چه اندازه جدی است؟ راه های موثر انکشاف این ظرفیت کدام است؟
- در کدام ساحات د افغانستان بانک و بانک های تجارتی می توانند همکاری سازنده داشته باشند؟

مشوره ها و اقدامات پیشنهادی

5.0 بخش مالی در افغانستان تقویة شود تا سبب افزایش دسترسی به قرضه و خدمات مالی شود. برای رفع مشکلات در راه ظرفیت به توجه خاص ضرورت است.

5.1 راه اندازی پروسة مشورتی موثر میان د افغانستان بانک، حکومت و موسسات مالی در افغانستان به خاطر تقلیل موانع در راه توسعه اعتماد، بیمه، سایر خدمات مالی و خصوصاً شرکت های کوچک و میانه در یک جدول زمانی در سرتاسر افغانستان نیاز است.

5.2 یک موسسه تعلیمی مستقل برای تربیة بانکداران به حیث یک ابتکار مشترک دافغانستان بانک و یک بانک تجارتی تشکیل شود.

ب. کار مشترک حکومت و بخش خصوصی: انکشاف اجتماعی

دو پهلوی عمده تلاش های افغانستان به خاطر دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی شدی اجتماعی عبارت اند از: (1) انکشاف یک جامعه مدنی نیرو مند و کثرت گرا و (2) تعلیم و تربیة شهروندان افغانستان. در این بخش در مورد این دو بعد بحث شده و موضوعات در اطراف محیط سازگار برای (رشد) جامعه مدنی، محدودیت های ظرفیت انسانی و نقش دولت و سکتور خصوصی در ایجاد ظرفیت های بشری به تحلیل گرفته می شود.

6. تقویة یک جامعه مدنی همه گیر، پایدار و پویا: اصلاحات قانونی و تنظیمی

افغان ها فرصت آن را دارند تا به اشکال مختلف در گروپ ها گرد هم جمع شوند، در جوامع محلی، در گروه های دارای منافع مشترک، و در تشکیلاتی که به بهبود بخشیدن در زندگی خود ها و دیگران متعهد اند. این گروه ها شامل سازمان های مسلکی و تجارتی، تامین کنندگان خدمات اجتماعی، موسسات دینی، شورا های انکشاف محل، سازمان های دیگری که پایه اجتماعی دارند، گروه های مدافع حقوق بشر، سازمان های فرهنگی، موسسات تحقیقی و رسانه می گردند. این گروپها شامل تعلیم و تربیة، علم طبی و تحقیق، که بصورت خدمات خیریه و غیر خیریه (با پرداخت فیس) اجرای خدمات میکنند. که این خدمات مرمان مسلکی، تجاری، کارگران روز مزد، سازمانهای قومی و فنی و دیگر مفاهیمات وابسته به مذهب (بشمول اطلاعات عامه)، محیط زیست، و اجتماع (بطور مثال سازمانهای قریة)

سازمان های اجتماعی نیرومند و فعال انرژی و احساس مردم را طوری جهت می دهند که آنها می توانند کار باز سازی را خود به عهده گرفته، همانگونه که حکومت ساختار هایی دارد که به وسیله آن ها کار را انجام میدهد، آن ها در تقویة یک حکومت کثرتگرا، دیموکراتیک و جوابگو (به خواست های مردم) نقش بازی می کنند. بصورت خلاصه، آنها در انکشاف اقتصادی و اجتماعی از بازیگران عمده اند.

اما در مورد ارزش و امکانات جامعه مدنی در افغانستان عدم آگاهی وجود دارد. واقعاً سازمان های جامعه مدنی منافع متعددی به جامعه عرضه می دارند:

- آن خدمات ضروی با ارزش را در عرصه های صحت و تعلیم، از مکتب ها و کلینیک های محلی گرفته تا موسسات تعلیمی و شفاخانه های بزرگ، ارایه می دهند.
- آنها شهروندان را در یک ساحة وسیعی از فعالیت های انکشافی بسیج می کنند.
- آنها با تنظیم سرمایه گذاران کوچک و مسلکی ها در اتحادیه ها به فعالیت های اقتصادی کمک می کنند.
- آنها با مردم فاصله نزدیک برقرار نموده و ریشه های محلی خود را حفظ می کنند.
- آنها مبتکر و پیشآهنگ اند. مسایلی را مطرح می کنند که بعد ها حکومت آن را از خود می کند.
- آنها از گروه های آسیب پذیر نمایندگی نموده و به آنها کمک می کنند تا خود را منظم نموده تا آواز نیرومندی در تصمیم گیری پیدا کنند

پهنای جامعه مدنی در افغانستان

سازمان های اجتماعی در زبان دری به نام های جامعه مدنی، سازمان غیر دولتی و یا سازمان اجتماعی یاد می شوند. سازمان های جامعه مدنی، به اساس تعریف، ساختار های دولتی، احزاب سیاسی، شرکت های تجاری و صنعتی، یا سازمانهای غیر دولتی خارجی نیستند. آنها محلی، مستقل، غیر انتفاعی و غیر دولتی و بسیار متنوع اند.

سازمان های جامعه مدنی گروه هایی اند که به خاطر کمک به اعضای خود تشکیل شده اند که می تواند یکی از این ها باشد:

- قبایل، گروه های قومی و عشیره
- سازمان های مذهبی
- شورا ها، میرآبها، حق آبه و کمیته ها
- شورا های نو، شورا های انکشاف محل
- سازمان های مسلکی و تجارتي
- سازمان های فرهنگی و تفریحی

آنها همچنین سازمان هایی اند که به خاطر کمک به تمام جامعه تشکیل شده اند، مانند:

- کمیته های جمع آوری و مصرف ذکات
- بنیاد هایی که به سازمان های محلی کمک مالی می رسانند
- سازمان هایی که خدمات و رو بنا های محلی را تهیه می کنند (تعلیم، صحت، قرضه های کوچک، کمک های تخنیکي برای زراعت)
- سازمان های دیموکراتیک و حقوق بشر
- سازمان های تحقیقی
- اتحادیه های سازمان های جامعه مدنی

مسائل

محیطی که در افغانستان جامعه مدنی در آن عمل می کند در برابر رشد و رونق آن مانع ایجاد می کند.

• ابهام در مورد طبیعت و حد کمک جامعه مدنی به ثبات و انکشاف وجود دارد و از آن به حیث یک رقیب، نه یک شریک، دولت تعبیر می شود.

• در مورد این که کدام سازمان واقعاً به جامعه مدنی مربوط است سردرگمی وجود دارد، زیرا برخی از آنها کار شرکت ها را انجام می دهند و دیگران نقش سیاسی بازی کرده اند، که هیچ کدام از این دو نقش به جامعه مدنی مربوط نمی شود

• اندیشه جامعه مدنی اکثراً محدود به سازمانهای غیر دولتی و گروههای مدافع می شود. این طرز دید کورکورانه نسبت به جامعه مدنی است که دربرگیرنده یک نهاد وسیع تر است.

• قوانین اداری و لوایح حاکم بر سازمان های جامعه مدنی سنگین بوده و به برطرفیت ها و منابع مالی محدود آنها سنگینی می کند.

• مامورین دولتی اکثراً در مورد انگیزه های سازمان های جامعه مدنی بی اعتماد اند و دلیل آن قسماً مشروعیت سوال برانگیز برخی از این سازمان ها می باشد

• این برداشت وجود دارد که (سازمان های جامعه مدنی) منفعت زیاد گرفته ولی موثریت و نتیجه دهی کار شان اندک است.

• سازمان های جامعه مدنی با همان مشکلاتی مواجه اند که شرکت های به آن مواجه اند (ساختار های روبنایی ناقص، دسترسی محدود و پر مصرف به برق، دسترسی محدود به زمین، قوانین آزار دهنده گمرک و ظرفیت های بشری ضعیف).

در حالیکه چوکات کاری کنونی عناصر نیروبخش زیادی را در خود دارد، کود مدنی (یک چتر قانونی که جامعه مدنی تحت آن فعالیت می کند) واقعاً به تجدید نظر نیاز دارد. این قانون با قانون جدید سازمان های غیر دولتی و سازمان های اجتماعی در تناقض بوده و تطبیق آنها مشکل بوده و در مورد اینکه این قوانین با یکدیگر چه رابطه دارند در میان سازمان جامعه مدنی، حکومت و سازمان های تامین کننده بودجه اختلاف نظر وجود دارد.

تشویق و انکشاف جامعه مدنی در قدم اول به این نیاز دارد که معلومات در مورد اینکه کدام سازمان ها جامعه مدنی را می سازند باید عام شود. در شرایط کنونی صرف دو شکل سازمان های جامعه مدنی تحت دو قانون اجتماعی و سازمان ها غیر دولتی پیش بینی می شود (قانون سازمان های غیر دولتی مصوبه 2005 و قانون سازمان های اجتماعی مصوبه سال 2002. واضح نیست تحت کدام قانون یک سازمان باید ثبت شود. مسئولیت ثبت نام و نظارت میان دو وزارت تقسیم گردیده است: اگر یک سازمان خود را به حیث سازمان اجتماعی ثبت می کند این کار در وزارت عدلیه صورت می گیرد، اگر یک سازمان خود را به حیث ان جی او ثبت می کند این کار در وزارت اقتصاد صورت می گیرد. سردرگمی زیادی در میان جامعه مدنی وجود دارد زیرا تعدادی از مسائل در هر یکی از این دو قانون حل نشده و یا در هر دو قانون راه حلی به آن یافت نمی شود.

مسائل مشخص:

• پروسه ثبت نام مسایلی را در مورد تطبیق نا برابر قوانین بر آن جی او ها و سازمان های اجتماعی مطرح می کند. در نتیجه برخی سازمانها خود را دو بار ثبت می کنند تا حثیت قانونی به حیث سازمان اجتماعی را بدست آورده و در عین زمان حق آن را بدست بیاورند تا در فعالیت های انکشافی تحت قانون ان جی او ها سهیم شوند.

• وقتی یک سازمان ثبت می شود، تقاضا برای تهیه گذارش بسیار آزار دهنده است. به چندین گزارش، با چوکات ها و محتویات مختلف، برای وزارت های مربوطه نیاز است.

• تقاضا ها در مورد شیوه اداره سازمان های جامعه مدنی داخلی (تشکیل بورد مدیران) واضح نیست.

• این موضوع که آیا یک سازمان اجازه دسترسی به کمک های مالی خارجی را دارد، هنوز لا ینحل باقی مانده است.

• حدود اینکه کدام سازمان ها از منافع مالی مستفید می شوند (به شمول معافیت از پرداخت مالیات بر عایدات و عوارض گمرکی) واضح نیست.

تشویب اساسی این است که بسیاری از سازمان ها که جزی از جامعه مدنی اند در یکی از این دو دسته بندی شامل شده نمی توانند و بنا برین از سهولت های رسمی استفاده کرده نمی توانند. به گونه مثال، در قوانین تشکیل بنیاد ها موقوفات ابهاماتی دیده می شود، به این مفهوم که آیا این سازمان ها به شکل بنیاد های فردی عمل می کنند که کمک های بلاعوض می دهند، یا بنیادی که از سوی دولت حمایت شود بدون این که مسئولیت های عملیاتی داشته باشد، یا یک بنیاد عملیاتی که پروژه ها را خود عملی می کند.

6.3 نهاد های مستقل تصدیق کنند برای سازمان های جامعه مدنی باید ایجاد شود که از سوی دولت، بخش خصوصی، دونه ها و جامعه مدنی قابل قبول باشد. خدمات بالا بردن ظرفیت ها که برای دست یابی به تصدیق نیاز است باید ایجاد گردد.

در این رابطه، اصلاحات قانونی باید به صورت کل بر این موضوع توجه کند که به کدام تلاش ها نیاز است تا تشکیل و تمویل سازمان های اجتماعی را برای افغان ها آسان سازد. اصلاحات حقوقی باید ممد تلاش های افغان برای انکشاف اجتماعی از طریق پشتیبانی قانونی برای ایجاد یک جامعه مدنی بومی و پایدار باشد و یقین حاصل شود که قوانین همه جانبه بوده و مواد آن غیر پیچیده و شفاف بوده و یکسان تطبیق می شود.

به صورت کل، به دانستن این مطالبیت ضرورت است که ارزش جامعه مدنی چیست، نقش آن در کمک به کشور کدام است و چطور می تواند کار کرد حکومت و شرکت ها را تکمیل کند.

سوالات برای مناقشه:

- چطور می توان معلومات مردم را در مورد نقش و مسئولیت های جامعه مدنی افزایش داد؟ چگونه مردم و رهبران مملکت از نقش جامعه مدنی اطلاع حاصل نمایند؟
- چطور می توان زمینه ایجاد و رشد طیف وسیعی از سازمان ها جامعه مدنی را مساعد نمود؟
- در چوکات قانونی چه اصلاحاتی باید آورد؟ آیا اصلاحات قانونی تحت بررسی به سازمان های جامعه مدنی اجازه خواهد داد تا سهم خود در تلاش برای بازسازی و انکشاف را به حد اعظمی بالا ببرند؟
- آیا ترتیبات انجام کار در یک محل باعث ایجاد سهولت در ثبت نام و دادن جواز خواهد شد؟ این کار چگونه صورت خواهد گرفت؟ چطور می توان نقش وزارت های اقتصاد و عدلیه را بررسی نمود؟
- چه اقداماتی باید صورت بگیرد تا اداره را تقویه نموده و شفافیت را افزایش دهد از این طریق اعتماد مردم به سازمان های جامعه مدنی افزایش یابد؟ چطور می توان گزارش دهی معیاری را انکشاف داد؟
- بر علاوه از مراعات قوانین و مقررات، سازمان های جامعه مدنی چطور می توانند به خاطر بهبود کیفیت کاری و حسابداری خود معیار هایی را انکشاف دهد (چنین چیزی اعتبار آن ها را بالا خواهد برد)؟

مشوره ها و عملکرد های پیشنهادی

6.0 فهم از نقش و کمک جامعه مدنی باید وسیع و عمیق گردد. چوکات کاری به خاطر تقویه اداره و عملیات سازمان های جامعه مدنی باید آماده شود.

6.1 چوکات فعالیت قانونی برای سازمان های جامعه مدنی باید مورد بازنگری قرار گرفته و ساده ساخته شود (قانون ان جی او ها و قانون سازمان های اجتماعی) تا در بر گیرنده جامعه مدنی به صورت کامل باشد. باید کار تاسیس و ثبت آسان ساخته شده و نظارت لازم (نه مزاحم) از فعالیت های آنها یقینی گردد.

6.2 میکانیزم موثر تنظیم خودی برای سازمان های جامعه مدنی انکشاف داده شده و از معیار کیفیت (لاحیه عملکرد) تعریف واضح صورت بگیرد تا سازمان ها جامعه مدنی به صورت درست اداره شده حسابداری و فعالیت های آنها حساب شده، موثر و مطابق به ضرورت های افغان ها باشد.

7. تاسیس و تقویة برنامه ها برای تعمیر ظرفیت انسانی

نبود ظرفیت انسانی یک مانع عمده در راه انکشاف دراز مدت افغانستان است. افراد فرصت کمی به کسب تحصیل و آموزش تخنیک و مسلکی داشته اند. ساختار های روینایی تعلیم و خدمات در عرصة تعلیم تخریب گردیده و اشخاص کارفهم به کشور های دیگر مهاجر گردیده اند. در نتیجه خلا های جدی در بخش اداره و مهارت سراسر سکتور های عامه و خصوصی را فرا گرفته است. سطح پائین مهارت ها کیفیت کالا های تولیدی و خدمات عرضه شده را بسیار پائین آورده و توانمندی مامورین بخش عامه را در اجرای وظایف محوله و توانمندی دست اندر کاران صنایع را در دست یابی به رشد و بهره برداری از فرصت های موجود در بازار کاهش داده است.

تلاش های دراز مدت به خاطر بهبود مهارت ها و کفایت افغان ها به ساختن سیستم تعلیمی با کیفیت در سطوح ابتدایی، متوسطه و لیسه به شمول آموزش تخنیک و کلان سالان را نیاز دارد. (29) بسیاری از ابتکارات در این عرصه هنوز در جریان است؛ اما واضح است این کار به ده ها سال نیاز دارد در حالیکه نیاز های افغانستان فوری است. بدین خاطر دو جبهه در جریان است: بسیج امکانات به خاطر تریننگ قصیر المدت با کیفیت عالی و در عین زمان باید کوشید تا سیستم تعلیم را را اعمار نمود تا در قصیر المدت، طویل المدت و در میانه مدت به نتایجی دسترسی پیدا نمود.

این موضوع به صورت کل شناسایی شده که ظرفیت در داخل حکومت ضعیف است. دولت اقداماتی در جهت تقویت ظرفیت خود از طریق برنامه اصلاحات ادارات عامه روی دست گرفته است. این برنامه ماموریت آوردن اصلاحات در تمام ساحات ادارات ملکی به شمول ساختن ظرفیت سازی را دارد.

مسائل

انکشاف مهارت: اداره و مهارت های حرفه ای

سکتور تعلیمات و آموزش مهارت های حرفه ای در "حالت هرج و مرج فرار دارد که در آن سازمان های مختلف و غیر منظم، غیر ماهر و کم تجربه به ارایه نوعی تعلیمات و آموزش حرفه ای می پردازند که در آن ضرورت های بازار کار در نظر گرفته نشده، منابع ضایع گردیده و باعث دلسردی افراد تحت آموزش می شود." (از اظهارات یک متخصص بین المللی) کارمندان و کار فرمایان هر دو از مفیدیت برنامه های آموزشی تقدیم شده نا رضائیتی خود را ابراز نموده اند.

• مطابق به سروی انجام شده از سوی بانک جهانی تنها بیشتر از 5 در صد شرکت های افغانی افراد خود را آموزش می دهند. (30). در برخی حالات دادن آموزش توسط شرکت/ فابریکه موفق بوده است مخصوصاً وقتی آموزش با ضرورت نزدیک بوده و آموزش به صورت تکراری صورت بگیرد. در کشوری با وضعیت غیر یقینی بازار کار آموزش در دوران کار مصنون ترین و موثر ترین راه است و از این طریق بزرس در پروسه انکشاف سهم می گیرد.

• کار تعلیم و آموزش حرفه ای توسط دولت میان سه وزارت تقسیم شده است. وزارت معارف مسئولیت پیشبرد آموزش تخنیک و حرفه ای را به عهده دارد. آموزش در این موسسات از دو تا پنج سال دوام می کند، لیکن این موسسات از داشتن ساختمان های ناقص و نبود معلمین ماهر رنج می برند. وزارت کار و امور اجتماعی از 18 مرکز آموزش حرفه ای کوتاه مدت نظارت می کند و مسئولیت ثبت موسسات غیر دولتی ای را دارد که در این ساحه فعالیت می کنند. نصاب تعلیمی در همه این برنامه ها همگون

نیست و با ضرورت های استخدام کار مند عیار نشده اند. وزارت تحصیلات عالی مسئولیت آموزش های حرفه بالا تر از سطح متوسط را به عهده دارد.

• تعداد زیادی از ان جی او ها تریننگ را بخش جدیدی از فعالیت های خود ساخته اند، ولی اکثریت آنها مهارت های تخصصی در ساحات مربوطه ندارند. (31) در حالیکه استثنائاتی وجود دارد، به صورت کل معیار تریننگ پائین است و در بسیاری از حالات مربیانی نا آموزش دیده استخدام می شوند تا کورس های تریننگ به سطح پائین، نامنظم و بدون اسناد را به پیش ببرند.

• ارائه آموزش از سوی بخش خصوصی در حال انکشاف است، لیکن آموزش محدود به تکنالوژی معلوماتی و زبان انگلیسی می شود.

• تا امروز آموزش های که برای مامورین دولت به خاطر اهداف مشخص صورت گرفته و غیر هماهنگ است (ای ای اس سی اس، یوناما و ان جی او های مختلف).

• در حالیکه چوکات پالیس برای تعلیمات تخنیک و آموزش های حرفه ای وجود دارد، اما کدام ساختار برای دادن جواز وجود ندارد، تا کیفیت را تعیین و از آن نظارت نموده و کسانی را که تریننگ با کیفیت و مطابق به تقاضا را ارائه می دهند ثبت نماید.

• همگونی و همکاری در داخل و میان تقدیم کنندگان خدمات آموزشی نیز بسیار ضعیف است و در مورد نوعیت و اثرات آموزش داده شده و اینکه این آموزش از طرف کدام سازمان داده شده معلومات کمی وجود دارد.

• یک تعداد کم برنامه های آموزش مسلکی اداره و جود دارد. کدام برنامه آموزشی به سطح دانشگاه در ساحه تخنیک های اداری جدید وجود ندارد. نقش اولیه حکومت اکنون به ارائه چوکات کلی پالیسی و تصدیق از تریننگ مهارت های محدود گردیده است. در واقعیت اکثریت فعالیت ها در ساحه انکشاف مهارت ها از سوی بخش خصوصی صورت می گیرد - توسط سازمان های انتفاعی و یا غیر انتفاعی.

استفاده از کمک بخش خصوصی برای سیستم تعلیمی

با وجود پیشرفت های چشمگیر در افزایش تعداد مشمولین مکتب در پنج سال گذشته نرخ اخراج از مکتب در صنوف اولیه مکتب، مخصوصاً در میان دختر ها بالا است. علاوه از اقدامات ضروری به خاطر امکان دستیابی به تعلیم، ساختار های فزیک باید باز سازی/ ترمیم شده و کیفیت تعلیم باید بالا برده شود (تربیة معلم یک عنصر عمده در این رابطه است).

سرمایه گذاری مورد نیاز به خاطر یقینی ساختن این مطلب که هر طفل باید از معارف با کیفیت بهره ببرد به منابع مالی هنگفت، منابع بشری و تخصص نیاز دارد. ممکن نیست دولت بتواند منابع مورد نیاز را حتی به کمک جامعه بین المللی و بدون همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی تامین کرده بتواند. هم چنین سازمان های جامعه مدنی نقش عمده را در استفاده موثر این امکانات بازی می کنند.

افغانستان در دوران طالبان و در دوران انتقالی برای تامین تعلیم شدیداً به ان جی او ها متکی بود. با تشکیل حکومت جدید، وزارت معارف ضرورت آن را درک نمود تا ارایه خدمات تعلیمی را در سر تا سر افغانستان استحکام ببخشد. اما چنانچه تجارب در کشور های دیگر نشان داده است این کار ضرورتی به کنار گذاشتن فعالین غیر دولتی از کار در ساحه تعلیم ندارد:

7.2 از برآورده شدن اهداف ملی تعلیم هم از طریق بخش خصوصی و در همکاری بخش عامه و خصوصی بصورت فعال پشتیبانی شود (از دوره ابتدایی تا لیسه)

• همکاری میان حکومت و بخش خصوصی در ساحة ارایه خدمات تعلیمی در کشور های دیگر ریشه دار بوده و مشاهده شده که این کار باعث افزایش سریع تامین خدمات توسط فعالین غیر دولتی و در اشتراک با بخش دولتی و خصوصی صورت گرفته است.(32)

• مقایسه دسترسی، تکمیل و دست آورد تعلیمی میان موسسات تعلیمی خصوصی و مکاتب دولتی (به شمول افغانستان) نشان داده است که ارایه کنندگان خدمات غیر دولتی در هر دو مورد تاثیر عمده داشته اند (33).

مسئله کلیدی ضرورت به تعریف واضح نقش ها در سیستمی است که حکومت پالیسی وضع نموده و بر کار ها نظارت می نماید و سیستم از سهمگیری بازیگران در بخش خصوصی و عامه هر دو بهره می گیرد.

تصویب قانون ضمنی جدید در این و آخر در مورد تعلیم بخش خصوصی چوکات کاری را برای دخول بخش خصوصی، فرصت را برای به میان آمدن یک سیستم قابل انعطاف آماده نموده و سر آغازی است به پروسه حل مسایل در مورد نقش و مسئولیت های بخش عامه و خصوصی.

سوالات برای مناقشه

- در کدام بخش های خاص موانع ظرفیت انسانی توسط بخش خصوصی و جامعه مدنی بیشتر احساس می شود؟ آیا این مسئله در میان سازمان های تجارتي و جامعه مدنی از هم متفاوت اند؟
- بالا بردن سطح تعلیم به صورت عمومی یک نسل را در بر می گیرد. در حالیکه کار در این جهت جریان دارد، چه اقداماتی لازم است تا مهارت های افغان ها را افزایش دهد تا آنها به در انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور شان به شکل موثر تری سهیم گردند؟
- کدام نوع تریننگ در بخش منجمنت، اداره و مهارت ها می تواند از بخش خصوصی بیاید؟ کدام برنامه های موجود فعلی می تواند تقویه شود؟ از تجربه جاری چه درس هایی گرفته شده می تواند؟
- چه فرصت هایی تحت قانونی ضمنی جدید برای بخش خصوصی جهت بسیج منابع بخش خصوصی به منظور گسترش خدمات در عرصه تعلیم وجود دارد؟ چه معیار هایی به کار گرفته شود تا تا در تعیین موثر ترین راه کاربرد منابع دولتی و خصوصی کمک شود؟
- موثر ترین شکل همکاری در بخش تعلیم در افغانستان کدام است؟ چطور می تواند تامینات از سوی ارگان های غیر دولتی و تشریک مساعی دولت و بخش خصوصی به افزایش سریع در خدمات بخش تعلیم کمک کند؟

مشوره ها و اقدامات پیشنهادی

7.0 برنامه های (خصوصی و عامه) به خاطر بالا بردن ظرفیت طرح گردد تا موانع ظرفیتی ای که بخش های عامه و خصوصی به آن مواجه اند، مرفوع گردد.

7.1 ایجاد موسسات (مخصوصا با شرکت بخش عامه و خصوصی) تا خدمات تعلیمی قصیر المدت (دو تا سه ماه) را به سطح شهادت نامه برای کسانی که مکتب را ترک کرده اند ارایه بدارد تا بصورت سریع مهارت های جوانان و کلان سالان انکشاف نماید. این کار برای انکشاف اقتصادی بسیار مهم است.

ج. کار مشترک میان بخش خصوصی و جامعه مدنی

- عدم موجودیت ساختار های هماهنگ کننده میان جامعه مدنی، و حکومت.
- عدم موجودیت پالیسی حکومت برای دان انگیزه به بزنس های کمک دهنده.
- با محیطی که در آن منابع مالی و بشری کمیاب است، فعالیت های بشر دوستانه از طریق روابط ساختاری شراکت میان بزنس ها و جامعه مدنی موثریت دادن کمک های بلا عوض را بالا می برد. بهبود بخشیدن محیط برای چنین مسئولیت های اجتماعی به چیز های ذیل نیاز دارد:

- نمایشی از بهبود در روش اخلاقی شرکت های و برقراری اصول و عملکرد های مسئولیت های اجتماعی شرکت های بزرگ.
- مردم باید از کار انکشافی سازمان های جامعه مدنی و شرکت ها آگاه ساخته شوند.
- جامعه مدنی باید اداره سالم، شفافیت و جوابدهی را در بخش های فعالیت خود ترویج و تبلیغ کند.
- معرفی سیستم توزیع تصدیقنامه به اجرات خوب و سازمان های با اعتبار جامعه مدنی بدین وسیله به جامعه مدنی اجازه می دهند شود تا برای کمک به خود دلیل قوی داشته باشند.
- ایجاد یک موسسه که از ایجاد فعالیت های مشترک میان جوامع تجاری و جامعه مدنی دفاع کند.
- هماهنگی بهتر و برقراری ارتباط میان ساختار های دولتی، شرکت های و جامعه مدنی

سوالات برای مناقشه

- چطور نظریه مسئولیت اجتماعی می تواند در بخش خصوصی انتفاعی به حیث بخشی وسیعتر مسئولیت در پروسه انکشافی معرفی گردد؟
- سکتور خصوصی با چه مشکلاتی در انکشاف دادن روابط، به شمول رابطه تمویل، با جامعه مدنی مواجه بوده اند؟ جامعه مدنی با کدام چالشها در برقراری رابطه با سکتور خصوصی، به شمول دست یابی به تمویل، مواجه بوده اند؟
- چطور می توان آگاهی در مورد مکانات و ارزش همکاری میان سکتور خصوصی و جامعه مدنی را افزایش داد؟ چطور می توان اعتماد با همی بیشتر را به وجود آورد؟
- چطور سکتور خصوصی می تواند فرصت های خوب برای دادن را شناسایی نماید؟ چطور آن های می توانند احتیاط و دقت لازم را در ارزیابی سازمان های بالقوه کمک بکار گیرند؟ چطور می توان کمک شرکت های بزرگ و افراد را به خاطر انکشاف اقتصادی نهادینه ساخت؟
- چه اقداماتی از سوی حکومت محیط را برای همکاری میان سکتور خصوصی و جامعه مدنی بهتر ساخته می تواند؟ چه اقدامات، امتیازات قانونی و/یا مالی احساس مسئولیت اجتماعی را در میان سکتور خصوصی تشویق می کند؟

بخش خصوصی انتفاعی به انکشاف اقتصادی و اجتماعی از فعالیت برای مفاد و یک سلسله راه های دیگر کمک می کند. با عمل کردن به مسئولیت های اجتماعی شاید شرکت ها اعانه داده ویا هم در فعالیت های داوطلبانه مانند به امانت گذاشتن تاسیسات، انتقال معلومات و آوردن تغییر در نحوه کار خود به منظور تامین منافع اجتماعی، شرکت کند. در این بخش محیط مورد نیاز به خاطر تشویق احساس مسولیت در میان شرکت های افغانی را مورد بررسی قرار می دهیم.

8. تشویق نمودن شرکت به احساس ملیت اجتماعی: شرکت و جامعه مدنی به خاطر تسریع انکشاف با همدیگر کار می کنند

انکشاف اجتماعی نمی تواند تنها توسط دولت بدست آید؛ این کار به همکاری بخش خصوصی نیازمند است. امکان بالقوه به داشتن یک سازمان بشر دوستانه در بخش خصوصی در کشور بسیار قوی است، به خصوص در جوامع اسلامی.

به طور نمونه، در افغانستان اکثر مردم این را وظیفه اسلامی خود می دانند تا به مستمندان چیزی بدهند و این کار مسلمان ها به اساس معتقدات دینی شان به توزیع مجدد ثروت به خاطر برابری اجتماعی صورت می گیرد که در شکل نکات، صدقه، فطرنه و وقف ظاهر می شود. در این رابطه زمینه آن وجود دارد که در افغانستان یک سازمان بشر دوستانه به حیث یک حرکتی به خاطر انکشاف اجتماعی به رهبری مردم به وجود آید. کار های مشابه در هند و پاکستان به شکل انکشاف یافته آن وجود دارد. در آنجا ها شرکت های بزرگ در انکشاف جامعه سهم می گیرند.

مسائل

در حالیکه دادن کمک توسط شرکت ها در افغانستان از قبل وجود دارد، (34) احساس مسئولیت های اجتماعی می تواند به محور جوامع تجاری انکشاف بیشتر داده شود. کمک از سوی شرکت ها مبتنی بر کدام سیستم و تخمین های علمی در مورد مسائل اجتماعی و ضرورت ها نبوده و نه هم بر تحلیل دقیق مستفید شوندگان استوار می باشد.

در بسیاری حالات سکتور خصوصی به هیچ صورت با آگاه نیستند و یا تجربه آن را ندارند که چگونه کمک ارزشمند و مفید به بهبود و خیر عامه، اداره می شود. در عین زمان، سازمان های جامعه مدنی تجربه کار با شرکت ها را ندارند و در برخی حالات بر آن هایی اعتماد اند.

این واقعیت که نهضت نوع دوستانه تا اکنون شناسایی خوبی نشده و تلاش ها توسط سکتور خصوصی در بخش انکشاف اجتماعی نتوانسته از امکانات بالقوه استفاده کند مربوط به عوامل ذیل می شود:

- عدم اعتماد متقابل و حسابدهی در میان جامعه مدنی، سکتور خصوصی و حکومت.
- شرایط دشوار عملیاتی برای سکتور خصوصی و جامعه مدنی هر دو تا اکثر آ تلاش های فردی و دسته جمعی را بی اثر می سازد.
- از یک سو این برداشت که جامعه مدنی اجندای سیاسی دارد و از سوی دیگر این برداشت که حکومت در رقابت با جامعه مدنی قرار دارد.

د. بررسی راه های کار مشترک میان حکومت و بخش خصوصی

8.0 کار عملی در ادای مسئولیت اجتماعی و انسان دوستانه باید زمینه سازی شده در نهایت به سوی ساختاری شدن کمک بخش خصوصی (افراد و بزنس ها) برای انکشاف اقتصادی و اجتماعی از طریق جامعه مدنی گردد.

8.1 انگیزه های لازم قانونی و مالی ایجاد گردد تا بتوان کمک افراد و شرکت های بزرگ را برای انکشاف اجتماعی و اقتصادی جلب نمود.

9. نقش ها و مسئولیت ها: تعمیر رو بنا های اقتصادی و تامین خدمات اجتماعی

تامین ناکافی ضرورت کالای عامه مانند روبنای انتقالات، آب، برق، تعلیم، صحت و خدمات اجتماعی دیگر برای مردم افغانستان یک مانع عمده در راه انکشاف اقتصادی و اجتماعی است. چندین عامل این مشکل را بوجود آورده اند:

- افغانستان هیچ وقت دسترسی به ساختار های روبنایی عامه نداشته است و آنچه که وقتی وجود هم داشت، یا تخریب شده و یا در حالت بد مراقبتی قرار دارد.

- محیط فزیک دسوار، به شمول مناطق با کوه های بلند و شرایط جوی بسیار شدید در بخشی از کشور، یکجا با تراکم نفوس کم، سبب شده تا نرخ قیم سرانه اعمار، بازسازی و حفظ و مراقبت روبنا های اقتصادی و اجتماعی بسیار بالا باشد.

- وضعیت به خاطر محدود بودن بودجه حکومت و در کوتاه مدت و طویل الممدت، ظرفیت ناکافی دولت در ارائه خدمات با کیفیت و انجام حفظ و مراقبت بد تر گردیده است.

با وجود تلاش های بزرگ به خاطر باز سازی، توسعه و اصلاح ساختار اقتصادی و اجتماعی، تقاضا برای این ضرورت های عامه اکثراً بر آورده نشده است، به خصوص در مناطق روستایی و دور دست.

همه منابع ممکن، به شمول آنچه که مربوط به بخش خصوصی می شود، باید به کار گرفته شود تا ساختار اقتصادی و خدمات اجتماعی افغانستان را انکشاف دهد. نمونه ها از کشور های در حال انکشاف دیگر نشان داده اند که منابع بخش خصوصی می تواند در ارائه کالای عامه کمک بزرگی بنماید.

شراکت سکتور های عامه و خصوصی به سطح بین المللی

طی 15 سال گذشته کشور هایی که در سراسر جهان رو به انکشاف با مشکلات بودجه و ظرفیت مواجه بودند، به سوی بخش خصوصی به حیث یک شریک در ارائه خدمات رو بنایی رو آوردند. از سال 1990 بیش از 130 کشور در حال انکشاف اداره پیشبرد پروژه های خدمات برق، آب، مخابرات و انتقالات را از طریق تریبیات شراکت با بخش عامه به سکتور خصوصی سپردند. در حدود 2500 پروژه رو بنایی باعث بسیج 750 میلیارد دالر سرمایه گذاری و تعهدات گردیده است. (35)

انتقال سیاسی و اقتصادی که در افغانستان طی بیشتر از پنج سال گذشته صورت گرفته است، سبب ایجاد یک دید گردیده که به دولت نقش فراهم آورنده سهولت و تطبیق کننده قانون در اقتصاد را می دهد که رهبری آن را بخش خصوصی به عهده دارد. تطبیق این دید سوالاتی را در مورد نقش عامه و خصوصی در فعالیت های تولیدی (موضوع خصوصی سازی تصدی های دولتی) و نقش عامه و خصوصی در ساختن روبنای اقتصادی و ارائه

خدمات اجتماعی (مسائل شراکت میان سکتور های عامه و خصوصی) مطرح می کند.

تجارب مثبت همکاری میان سکتور های خصوصی در ساحات تلکمونیکیشن (صدور جواز به اساس رقابت یکجا با رفورم قانونی و چوکات حقوقی فعالیت تا سرمایه گذاری خصوصی تشویق گردد) و ارائه خدمات صحی (با قرارداد با موسسات غیر دولتی به خاطر ارائه خدمات درمانی در چوکات پالیسی دولت) و بلند بردن پروگرام همبستگی ملی. مقدار کافی منابع مالی در سکتور های تولید برق، تنظیم منابع آبی، تهیه آب و تسهیلات حفظ الصحة محیطی، ارائه خدمات تعلیمی با کیفیت و یا باز سازی میراث فرهنگی تا اکنون جلب نشده است.

نقش ها و مسئولیت های حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید در نظر داشت ارائه خدمات موثر به مردم مورد ارزیابی قرار داده شود. اولین چیز ضروری در این رابطه غلبه بر وضعیت محیط فعلی است که از مشخصه های آن تنش میان حکومت و بخش خصوصی و حکومت و جامعه مدنی می باشد و هم چنین شناسایی و قابل شدن ارزش به نیروی هر کدام از این بازیگران است.

به خاطر بهتر ساختن ظرفیت خود به منظور ارائه کالا های عامه و به خاطر جلب سرمایه از بخش خصوصی، دولت می تواند گزینه های ذیل را مورد توجه قرار دهد:

● بالا بردن سرمایه گذاری عامه و بهتر ساختن ارائه خدمات عامه از طریق برنامه ریزی و منیجمنت مالی.

● به اجاره دادن ارائه خدمات عامه به بخش خصوصی.

شراکت بخش عامه و خصوصی چیست؟

شراکت سکتور های عامه و خصوصی، که اشکال مختلف را به خود می گیرد، در برگیرنده صورت های مختلف بخش خصوصی است که با بخش عمومی کار می کند در یک رابطه که در برگیرنده تعهدات متقابل، قابل محاسبه بودن هر دو جانب، یا به صورت داو طلبانه و یا به اساس مواد مندرج در قرارداد، تقسیم سرمایه و خطرات، و مسئولیت مشترک در پلانگذاری، طرح و عملی سازی، می باشد. شراکت بخش عامه و خصوصی (پی پی پی) به حکومت اجازه می دهد تا از موضع اداره نمودن و ارائه دادن خدمات به موضع زمینه ساز و ناظر بر بخش خصوصی که خدمات را ارائه می دهند تغییر نقش دهد.

بصورت خاص پروژه های مشترک عامه-خصوصی به دو بخش عمده تقسیم می شوند:

روبنای اقتصادی: سرویس های خدماتی که برای آن سطح قابل دوام عایدات نیاز است تا برای سرمایه گذاری ها عملیات ها و جوایزی کد در رابطه به خطر پرداخته می شوند. نمونه ها اولی شامل ساختار های ترانسپورتی، مولد های برق، خدمات تصفیه آب و خدمات تیلیفون می گردند.

خدمات اجتماعی: پروژه هایی که به صرفه نیستند و نمی توان توقع کرد که استعمال کنندگان تمام مصارف ارائه خدمت را پردازند، لیکن بکار گیری و اداره آن توسط بخش خصوصی صاحب مسلک و و قبول خطر یک کار مفید تشخیص داده شود. مثال ها می تواند شامل تاسیسات و خدمات صحی، خدمات تعلیمی، مکاتب، توزیع آب و برق گردد.

● بررسی راه های مختلف شراکت بخش عامه و خصوصی. ایجاد محیط تطبیق قانون که برای سرمایه گذاری بخش خصوصی انگیزه فراهم می کند. این مسئله بیشتر در مناطق روستایی مناسب است زیرا ممکن نیست که دولت بتواند خدمات عامه با ارزش را در کوتاه مدت و میان مدت ارائه کند (به طور مثال سرک های روستایی، تهیه آب و برق و تعلیم).

سوالات برای مناقشه

● در کجا فرصت های کار گیری جهت مجذوب ساختن منابع خصوصی برای بازسازی و توسعه روبنای اقتصادی، اجتماعی و خدمات قرار دارد؟

● چه قدم های اساسی باید برداشته شود تا سرمایه گذاری وسیع بخش خصوصی را در تحویلدهی کالا های عامه تشویق کند؟ آیا عناصر به خصوص در چوکات کاری تنظیم وجود دارد که ضروری و مفید باشد؟

● شراکت بخش عامه-خصوصی چه فرصت هایی را عرضه می دارد؟ با چه محدودیت ها و قیود در ارتباط با وضع فعلی افغانستان آنها مواجه شده و کدام اقدامات لازم است تا انجام آنها را کامیاب کند؟

مشوره ها و اقدامی پیشنهادی

9.0 اصول اشتراک بخش خصوصی در تامین کالای عامه باید مشخص گردد. تلاش شود تا از راه های مشخص به شراکت بخش عمومی و خصوصی تعریفی ارائه گردد.

9.1 سه پروژه امتحانی برای آزمایش راه های جدید شناسایی شود.

هت. واضح سازی مسئولیت ها و تنظیم تصمیم گیری

یک محیط توانبخش نه تنها با چوکات کاری، قوانین و ، بلکه با سیستم موجود به خاطر انجام کار در چوکات، داشتن ظرفیت و اراده سیاسی به خاطر تعقیب کار مشخص می گردد. این بخش سوالات این مسایل در اوضاع فعلی افغانستان مورد بررسی قرار می دهد.

10. واضح سازی مسئولیت ها و تنظیم تصمیم گیری

از طریق پروسه آمادگی به کنفرانس، دو مانع در راه تقویة محیط توانبخش از سوی مامورین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی شناسایی گردید:

- با وجود تصویب قانون فعالیت بخش خصوصی در پروسه انکشاف افغانستان، مسئولیت های دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی واضح نیست و این کار سبب ایجاد فضای نا مطمئن می گردد.
- ساختار ها و پروسه تصمیم گیری ناکافی و غیر موثر است. بکار گیری چوکات کاری برای ابتکارات بخش خصوصی عقب تر از تصویب خود چوکات کاری می باشد.

این بخش بر اساس شواهد خلاصه این نوشته و مواد های زمینه ای بنا یافته تا بر اهمیت این دو موضوع تاکید صورت بگیرد.

مسئولیت دولت بخش خصوصی و جامعه مدنی در پروسه انکشاف

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و کمپکت (میثاق) افغانستان تعهد حکومت به شرکت دادن بخش خصوصی در انکشاف افغانستان را روشن می سازد. اما امکانات بالقوة ابتکارات خصوصی به خاطر کمک به انکشاف کشور تا حال بر آورده نشده است. یکی از موانع عدم آگاهی از مسئولیت های حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می باشد.

عوامل عمده عبارت اند از: (1) نبودن خطوط واضح جدایی (مسئولیت ها) میان حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی؛ (2) معلومات محدود در مورد اینکه بخش خصوصی چه کار هایی را انجام داده می تواند (هر دو انتفاعی و غیر انتفاعی)؛ و (3) در بعضی حلقه ها اندیشه ترجیح برای پلانگذاری مرکزی در انکشاف اقتصادی و اجتماعی یک جا با منافع مسلم و علاقمندی به حفظ کنترل بر سکتور ها و منابع ستراتیژیک وجود دارد

سروی رهبری (سال 2004)

سروی رهبری افغانستان در سال 2004 نشان داد که باور ها و تمایلات متفاوت یک مانع در برابر ایجاد یک اجندای متحد ملی برای سرمایه گذاری است. سروی عدم تفاهم مشترک در میان رهبران دست اندر کار را در مورد محیط توانمند برای ابتکارات خصوصی نشان داد: " ... رهبران هم چنین بر سر موضوعات میزان مداخله دولت در اقتصاد، در شکل مالکیت شرکت ها و تقسیم مجدد ثروت از ثروتمندان به مستمندان به دو دسته مساوی تقسیم گردیده بودند. " سروی در مورد اعتماد می گوید که، " تنها یک تن از پنج نفر از رهبران از سطح اعتماد میان حکومت و بخش خصوصی قانع بودند. [36]

گزارش اخیر " نقطه شکست " این موضوع را به شکل دقیق تری چنین بیان می کند: " با وجود ستراتیژی جدید برای ایجاد اداره سالم، در بسیاری از وزارتخانه ها و دفاتر ولایتی هنوز طرز کاری واضح و اصولی طی شده برای اجراء وجود نداشته و تنها یک چوکات کاری غیر منظم وجود دارد که فعالیت های

مؤسسات را محدود می سازد. عدم وضاحت در قوانین و مقررات محیطی را به وجود آورده که در آن جنگ بر سر ساحة نفوذ میان ساختار های دولتی صورت می گیرد و زمینه ساز ایجاد اداراتی گردیده که کار مشابه را انجام می دهند. " مرکز مطالعات ستراتیژیک و امور بین المللی: اندازه گیری پیشرفت در افغانستان (واشنگتن، دی سی، 23 فبروری 2007)

اثرات عدم وضاحت در نقش ها و مسئولیت های در برخورداری میان حکومت و بخش خصوصی به چندین شکل تبارز می کند:

- در حالیکه پالیسی در بالاترین سطح حکومت آماده می شود، البته با کمک بین المللی، به خاطر عدم آگاهی مامورین میان رتبه و پائین رتبه دولتی عملی کردن آن با مشکلات مواجه می گردد.
- در مورد نقش ارگان های مختلف دولت ابهاماتی وجود دارد.
- پروسه خصوصی سازی کند بوده و با تاخیرات مواجه گردیده است. به نقش های متضاد دولت به حیث مالک و تطبیق کننده قانون راه حلی پیدا نشده است (به طور مثال در صنعت خطوط هوایی).

• حد مطلوب مداخله حکومت در توزیع جواز و نظارت به صورت دقیق تعیین نشده است؛ تقاضا ها و طرز العمل های بیش از حد سنگین بوده زمینه فساد را فراهم می کند.

• حکومت در امور انکشاف اجتماعی و اقتصادی به جامعه مدنی به جای یک همکار ، به صفت رقیب می نگرد. آنها تا حالا به صورت موثر با هم کار نکرده اند تا نشان دهد که در کدام جا بخش عمومی (دولتی) و در کدام جا بخش خصوصی می توانند اجندای انکشاف اجتماعی و اقتصادی بهتر را عرضه کنند.

پروسه و ساختار تصمیم گیری

اکثراً در مورد پروسه تصمیم گیری در حکومت ابراز تشویش می شود. مسئولیت های متعدد و روی هم افتیده در تمام وزارت خانه ها سبب رسانیدن پیام های متفاوت می گردد. شواهد جمع آوری شده از پروسه آمادگی کنفرانس بیانگر آن است که پروسه تصمیم گیری تا اکنون شکل سازمان یافته را به خود نگرفته و این کار سبب می شود تا راه دراز و غیر یقینی برای رسیدن به یک تصمیم پیموده شود. این یک پروسته دشوار از نظر حکومت و بخش خصوصی هر دو می باشد (37)

• پروسه تصمیم گیری با منازعه میان توافقنامه ها، قوانین، مقررات همراه بوده و برای اتخاذ تصمیم به وقت بسیار زیاد ضرورت است.

• عکس العمل های متعدد با درجات مختلف با مسئولین حکومت ضرور است تا تصمیمی گرفته شده و جوازی صادر گردد.

• توافقات به صورت منسجم عملی نگردیده و یا به چندین ماه کار نیاز دارد تا نقاط مورد اختلاف حل گردد. در عین زمان، مثال هایی وجود دارد که مذاکره و مشوره باعث حل موفقانه مسایل گردیده است.

• واضح نیست که چگونه و در کجا سازمان ها باید ثبت نام کنند و همچنین واضح نیست که معیار ها چگونه تعیین شده و این معیار ها چگونه تطبیق می شوند.

3. راه به سوی پیش: میکانیزم تعقیب

مشوره ها و اقداماتی که در جریان صحبت ها در کنفرانس بدست می آید مفهومی نخواهد داشت مگر اینکه کار در روز های و ماه ها پس از ختم کنفرانس به صورت درست پیگیری شوند. تعقیب کنفرانس به این خاطر طرح شده است تا از عملی ساختن نقشه راه (توصیه ها و اقداماتی تصویب شده در کنفرانس) اطمینان حاصل شده و فرصتی برای نهادینه ساختن گفتگو میان میان حکومت و بخش خصوصی پدید آید.

قسمیکه کنفرانس بر روی مسایل تمرکز داشت، میکانیزم تعقیب نیز باید واقع‌بینانه و عملی باشد. شرایط برای موفقیت شامل تعهد و اشتغال دوامدار مقامات عالی‌ه دولت است تا از این طریق گفتگو ها تقویه شده و موانع از راه عملی نمودن اقدامات مورد توافق رفع گردد. عوامل دیگر کامیابی ایجاد میکانیزم با هدف به خاطر مبادله اندیشه، گفتگو ها و تعقیب پیشرفت کار و سهمگیری دوامدار سکتور های خصوصی و عمومی (دولتی) جامعه بین المللی می باشد.

تجارب در بخش های دیگر جهان نشان داده است که شورائی تحت نظر رئیس جمهور با شرکت تصمیم گیرندگان در حکومت، رهبران سکتور خصوصی داخلی (انتقاعی و غیر انتقاعی) در همکاری با رهبران سکتور خصوصی بین المللی یک وسیله موثر برای نهادینه ساختن گفتگو ها، تعیین اولویت ها و تعقیب کار ها بوده می تواند. چنین شورایی می تواند ساختار غیر رسمی داشته ولی متعهد به ملاقات های منظم بوده تا از این موضوع یقین حاصل شود که چگونه می توان محیط توانبخش را برای سهمگیری موثر بخش خصوصی در انکشاف افغانستان، ایجاد کرد.

گفتگو های بهتر دولت با بخش خصوصی و جامعه مدنی در انتخاب اولویت ها برای تغییر، راه حل را به اساس تجارب عملی پیشنهاد می نماید و در ایجاد یک فضای اعتماد بزرگتر از طریق تامین یک وسیله شناخته شده و شفاف گفتگو مساعدت می نماید. ایجاد یک شورا یا میکانیزم مشابه به آن می تواند با آمیختن تجارب و دانش داخلی با تجارب ستراتیژیک بین المللی بیشتر با ارزش گردد.

پیشنهاد شده است که شورایی متشکل از رهبران متعهد دولتی، رهبران بخش خصوصی و جامعه مدنی از داخل و خارج افغانستان، تحت رهنمایی رئیس جمهور، برگزاری جلسات به صورت منظم را به حیث یکی از اولویت های کاری خود قرار داده تا پروسه گفتگو و مشوره نهادینه گردیده و در نتیجه اقدامات عملی به بهبود بخشیدن به محیط کار برای بخش خصوصی در افغانستان صورت گرفته بتواند.

در حالیکه می دانیم که نهادینه ساختن تصمیمگیری ها و حل مشکلات بسیار مهم اند، ایجاد سیستم یک مرحله ای حل مشکلات در یک محل که به بالاترین سطوح دولت دسترسی داشته باشد، به حیث یک اقدام موقت می تواند وسیله حل سریع مشکلات قرار گیرد.

سوالات برای مناقشه

- چطور میتواند این شورا بطور موثر سهم ساختار نیروی حرکت خود را از طریق کانفرانس ایفا نماید تا محیط توانبخش را تقویت بخشد؟ چی چیز می تواند نقطه قابل توجه مقتضی فعالیت، شرایط ارجاع و وظایف باشد تا این شورا به آن متعهد باشد؟
- چطور میتواند چنین شورای با ساختار ها و میکانیزم های موجود وجه مشترک داشته باشد، بطور مثال هماهنگی مشترک و

• مسایل به اساس هر قضیه به طور جداگانه حل می شود نه به صورت کل و منظم. این شیوه کار سبب می شود تا شرکت های بزرگ پول و زمان بیشتر را به کار گرفته تا مشکلات را حل کنند، در حالیکه این کار برای شرکت های کوچک ممکن نیست.

ایجاد محیط توانبخش تنها در صورتی ممکن است که بخش خصوصی با دولت در پروسه انکشاف به صورت مکمل سهیم گردد و هر دو سکتور نقش ها و مسئولیت های خود را به صورت واضح بدانند. این کار رابطه میان مردم و دولت را تقویه نموده و زمینه های کار باهمی را افزایش می دهد.

سوالات برای مناقشه

• در کدام ساحات واضح نمودن نقش ها و مسئولیت های حکومت و بخش خصوصی باعث بکار گیری منابع بیشتر و موثر تر در پروسه انکشاف می گردد؟ برای حکومت؟ برای بخش خصوصی؟ برای جامعه مدنی؟

• حکومت به خاطر منظم ساختن پروسه تصمیمگیری و ساختاری با کدام مشکلات مواجه است؟ در این رابطه چه کاری باید کرد تا اعتماد میان دولت و بخش خصوصی برقرار شود؟

• چگونه دولت باید طبقه حل قضایا به صورت جداگانه را کنار گذاشته و روش همگون و منظم تصمیمگیری را جایگزین آن بنماید؟

• چگونه توصیه های پیشنهادی برای نقشه راه کنفرانس می تواند به منظور فهم عمیق تر از نقش ها و مسئولیت ها میان حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی و پروسه تصمیمگیری و ساختار های آنها مورد استفاده قرار گیرد؟

• کدام راه های دیگر وجود دارد تا حس اعتماد میان دولت و فعالین غیر دولتی بوجود آید تا آنها فرصت یابند تا به صورت بسیار موثر در اجندای انکشافی افغانستان همکاری کنند؟

توصیه ها و عملیات پیشنهادی

10.0 مشکلاتی را که به صورت مکرر ذکر شده مشخص کنید و اقداماتی در جهت تنظیم بهتر پروسه تصمیم گیری روی دست بگیریید.

10.1 یک سیستم یک مرحله ای را به صفت یک میانجی عالی رتبه و مسقل ایجاد کند تا بصورت فوری مشکلاتی را که سازمان های انتقاعی و غیر انتقاعی سکتور خصوصی به آن مواجه می شوند حل نماید.

هیئت نظارت، کمیته نظارت ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان، کابینه و یا شورای ملی؟

- چطور میتواند تعقیب بعد از کنفرانس بطور موثر "موفق" باشد و پیشرفت آن بعد از کنفرانس نظارت گردد؟

توصیه ها اقدامات پیشنهادی

11.0 میکانیزم هایی ایجاد شوند تا بر عملی ساختن تصامیم نظارت نماید تا یک محیط توانبخش برای سهمگیری بخش خصوصی در انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان که توصیه های کنفرانس در محراق توجه خود قرار می دهد، ایجاد شود.

11.1 شورایی برای بخش خصوصی (انتفاعی و غیر انتفاعی) تحت ریاست رئیس جمهور ایجاد شود که اعضای آن را نمایندگان حکومت (اداره امور، وزارت های کلیدی و شورای ملی)، بخش خصوصی (سازمان های انتفاعی و غیر انتفاعی افغانستان و بین المللی) و جامعه بین المللی تشکیل می دهند.

نتیجه گیری

گرچه افغانستان طی پنج سال گذشته در عرصه های انکشاف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیشرفت هایی داشته است، هنوز مشکلاتی وجود دارد. کنفرانس محیط توانبخش تدویر گردیده تا به مسایلی که هنوز حل نگردیده را حل بیابد. به صورت خاص این کنفرانس تلاش می کند تا شرایط را برای سهمگیری موثر بخش خصوصی در انکشاف افغانستان مساعد سازد.

مسایلی که بر اساس مشوره های همه جانبه در دوران آمادگی برای کنفرانس شناسایی گردیده است، باعث تعجب نگردید. در واقع، چیزی را که رهبران حکومت، سکتور خصوصی و جامعه مدنی خواستار آن شده اند این است تا در مورد همکاری های بالقوه بخش خصوصی و عامه مورد معلومات عمیق بدست آید، حس اعتماد و باور تقویه گردد، و در جهت ایجاد چوکات کاری ای که حکومت و بخش خصوصی بتوانند نقش های خود را بایزی کنند کار صورت بگیرد

با در نظر داشت شرایط که در افغانستان فعلاً موجود است، حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید به اقدامات شجاعانه و فوری متوسل شوند تا از یک محیط عدم یقین و اندیشه های کوتاه المدت به یک محیط قابل اعتماد با برنامه های طویل المدت اجتماعی و اقتصادی برای آینده کشور و مردم آن داخل گردند.

I ضمیمه

ضعیت قانونی ساختن حقوق اولیت اداره تجارت، مداخلات مالی و جامعه مدنی

تحت نظارت وزارت بازرگانی:

- **قانون سازمان اجتماعی، 2002** (تعدیلات در قانون، در حال جاری مورد آمادگی قرار داشته یا بحث تعدیلات در جریان است): ضرورت ایجاد و نظارت سازمان اجتماعی را مرتب می سازد. تحت نظارت وزارت عدلیه قرار دارد.

- **قانون سازمان غیر دولتی** (فرمان تجدید در سال 2005 امضاً شد): ضرورتهای تأسیس و نظارت سازمانهای غیر دولتی را تحت نظارت وزارت اقتصاد مرتب می سازد.

● **قانون شرکتها:** اجازه فرصت به شرکت و نهاد های شغلی خارجی بخاطر برپائی شرکتهای افغانی که در ماه جنوری توسط رئیس جمهور به امضاء رسید.

● **قانون مشارکت:** اجازه فرصت به مشارکتها و نهادها شغلی تجاری خارجی بخاطر ایجاد مشارکت های محلی (بشکل وابستگی ها و غیره)؛ در ماه جنوری به امضاء رئیس جمهور رسید.

● **قانون حکمیت بازرگانی:** اجازه فرصت های شغلی و تجاری بخاطر عملی کردن اعطای حکمیت توسط محاکم افغانستان؛ در ماه جنوری توسط رئیس جمهور به امضاء رسید.

● **قانون وساطت بازرگانی:** بخاطر ایجاد چارچوکات وساطت رضا کارانه؛ به اساس نمونه بین المللی یونسیترال (UNCITRAL) بخاطر وساطت رضا کارانه که در ماه جنوری توسط رئیس جمهور به امضاء رسید.

● **قانون قراردادهای:** بخاطر مطابقت دادن قوانین قرارداد افغانستان (بشمول عملی کردن پیمانهایکه بین شغلهای تجاری داخلی و نهاد های خارجی عقد میگردد) با بهترین معیارهای عملکرد بین المللی، در ریاست تقنین تحت بررسی قرار دارد.

● **قانون اداره:** بخاطر اجازه روابط سه جانبه قراردادی وقتا که یک نماینده از مقام مرکزی خویش صلاحیت دریافت میدارد تا به نمایندگی از آن اداره رابط قانونی را با جانب سوم ایجاد کند؛ تحت بررسی ریاست تقنین وزارت عدلیه قرار دارد.

● **قانون معیاری:** بخاطر تاسیس چارچوکات برای انکشاف معیارها تحت (ISO)، معیارهای صادرات و واردات که تحت بررسی در ریاست تقنین وزارت عدلیه قرار دارد.

● **قانون حق طبع، نشر و چاپ، قانون علامت تجاری، قانون حق ثبت اختراع (patent)** بخاطر مطابقت دادن حقوق دارائی های ذاتی و عقلانی افغانستان با التزامات اداره جهانی تجارت (WTO). تحت بررسی در ریاست تقنین قرار دارد.

تحت نظارت د افغانستان بانک

● **قانون رهن/معاملات ایمن شده (Mortgage/Secured Transaction Law):** بخاطر اجازه استفاده دارائی ها (اموال عقاری و منقول)، بخاطر رسیدگی به قرضه و بخاطر ایجاد یک اداره ثبت مرکزی معاملات ایمن شده.

● **قانون اسباب قابل مذاکره:** بخاطر ایجاد عملکردها به منظور مذاکره، انتقال و گردش اسباب قابل مذاکره ("اوراق تجاری" جایگزین نقد، بطور مثال چک، بل تبادل و یاد داشت های تعهد شده).

این دو قانون به انتظار بررسی ریاست تقنین وزارت عدلیه قرار دارد.

قوانین درباره سازمانهای جامعه مدنی

عملکرد خاص	سفارشات
1.0 تصویب و تطبیق قوانین کلیدی و تعدیل برای تاسیس قوانین ابتدائی و چوکات نظم قانون که مشوق فعالیت بخش خصوصی در انکشاف اجتماعی و اقتصادی در افغانستان. این قوانین و مقررات باید (i) واضحاً مشخص گردیده و شفاف باشد (ii) بیشتر ساده و مؤثر، با کمترین مراحل بیوروکراسی و روند اداری باشد؛ (iii) با کمترین تصامیم احتیاطی بوده؛ و (iv) ثابت، قابل پیش بین، شایسته و منصفانه تطبیق شود.	1.1 مقرر داشتن قوانین لازم بخاطر مکمل کردن و تجدید چارچوکات ابتدائی نظم و قانون که فعالیت های بخش خصوصی را در انکشاف اجتماعی و اقتصادی اداره میکند. 1.2 ایجاد اصول و روند با مفهوم و به موقع جلب بخش خصوصی در جریان پیشنویس قانون و مقررات. 1.3 ایجاد این اصول که هیچ قانون تاوقتی که رسماً در جریده رسمی نشر نشده و کاپی کمپیوتر (نرم کاپی) و قانون چاپ شده در کاغذ بصورت مجانی مطابق به مکان و شرایط توافق شده فراهم نشده باشد، قابل تطبیق نمیباشد. 1.4 یکی سازی ثبت و رجستر نهادهای خصوصی روی یک هدف و پلان بشمول صدور شناخت نمبر پرداخت مالیه-عمومیت دادن این خدمات به شغل های تجاری کوچک. بر طرف ساختن دریافت اجازه فعالیت مگر اینکه به دلایل صحی، مصونیتی، حفظ محیط، استفاده از زمین و دسترسی به منابع طبیعی باشد 1.5 ایجاد و تطبیق "جمع آوری یک مرجع ای" بخاطر جمع آوری مالیه و سایر عواید دولت در حوزه قانونی انفرادی 1.6 بکاربرد مقررات گمرکی پاکستان در همه مملکت و تعهد نایل آمد به یک فرصت زمان اوسط برای صادرات و واردات اشیاء و اجناس همدیگر به بهتری عملکرد معمول در منطقه (حد اقل به نصف سطح فعلی تقلیل یابد)
2.0 ایجاد و ارتقای ظرفیت های وساطت و حکمیت قضائی موجود بخاطر تضمین راه حل کار، مؤثر و منصفانه منازعات	2.1 ایجاد و شناخت صلاحیت شیوه قضاوت وساطت و حکمیت بخاطر حل منازعات بخش های خصوصی با خصوصی و خصوصی با بخش عامه بشمول منازعات زمین. 2.2 تأمین شایستگی و شفافیت قضاوت از طریق ایجاد معیارها و اعمار ظرفیت حکمیت و وساطت و حقوق دانان.
3.0 بکاربرد معیارها برای سهولت دسترسی بخاطر روشن ساختن زمین و انتقال سند ملکیت و همچنان اجاره طویل المدت.	3.1 طرح پالیسی زمین داری که دربرگیرنده: چارچوکات قانونی برای ثبت زمین؛ احقاق حقوق زمین، بشمول سیمتهای متکی به اجتماع؛ و رسمیت بخشیدن به زمینداری های غیر رسمی، بشمول وضع قانون بخاطر مخالفت به استملاک 3.2 ساده ساختن طرز العملها وابسته به انتقال زمینهای ملکیت های عامه و ملکیت های خصوصی. 3.3 اجازه سرمایه گذاران خارجی که از طریق اجاره های طویل المدت به زمین دسترسی داشته باشند و اجازه دولت افغانستان که قرارداد های اجاره طویل المدت را با سرمایه گذاران خارجی و داخلی عقد نمایند.
4.0 تسریع دخالت بخش خصوصی در امر تولید و توزیع برق در مراکز بزرگ شهری و همچنان روستاها	4.1 مقرر داشتن و تطبیق چارچوکات قانونی بخاطر اجازه و تشویق دستگاههای تولید و توزیع برق (انتقاعی و غیر انتقاعی)، منجمله از طریق ایجاد PPPs 4.2 پی گیری و اجرای ابتکارات اولی تولید برق: (الف) پروژه تولید برق گازی شیرگان؛ (ب) انتقال ولتج بلند برق از تاجکستان. 4.3 براه انداختن ابتکارات خاص معیارهای کوچک و متوسط فاقد شبکه در شهرهای کوچک به اساس منابع برقی روستائی بشمول دستگاه های کوچک آبی تولید برق.
5.0 تقویت بخش مالی افغانستان بخاطر افزایش و دسترسی به قرضه و خدمات مالی، باعطف توجه خاص به فروشنان عوامل که ظرفیت ها را محدود می سازد.	5.1 اجرای یک روند مؤثر مشاورتی در بین دافعانستان بانک، دولت و تعدادی از نهادهای مالی در افغانستان برای تحلیل و تجزیه موانع بخاطر دسترسی و بقای بیشتر و برشمردن اهداف خاص مالی و بنیان گذاری یک ستراتیژی استوار با یک مرتبات فعالیت های مفید به زمان برای دسترسی های مالی و بقای تاسیساتی. 5.2 ایجاد یک انستیتوت مستقل آموزش بانکداری منحیث یک بانک تجارتي مشترک - ابتکار د افغانستان بانک

سفارش	عملکردهای خاص
<p>6.1 اصلاح، توضیح و تجدید چوکات قانونی بخاطر اداره سازمانهای جامعه مدنی - قانون سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای اجتماعی - بخاطر دربر گیری جامع جامعه مدنی، سهل ساختن ایجاد ویا ثبت و تأمین نظارت وافر (اما نه طاقت فرسا)</p> <p>6.2 انکشاف مؤثر میکانیزم خود تنظیمی، با تعریف واضح معیار های کیفیتی و یا یک "شیوه احصائیوی مرتب شده" تا نشان دهد که جامعه مدنی تنظیم یافته و بامسولیت بوده و فعالیتهای آنان به ضرورت های افغانها بخوبی هماهنگی، مؤثریت و قابل جذب باشد.</p> <p>6.3 ایجاد کانون های ارائه گواهی نامه برای سازمانهای جامعه مدنی که نزد حکومت، بخش خصوصی، موسسات اعطا کننده، و جامعه مدنی رسمیت داشته؛ معرفی خدمات لازم بلند بردن ظرفیت های مشابه برای نایل شدن به روند اعطای گواهی نامه.</p>	<p>6.0 تعمیق و توسعه نقش و سهمگیری جامعه مدنی در انکشاف. ارائه چارچوکات بخاطر تقویه اداره و عملکرد نهاد های جامعه مدنی</p>
<p>7.1 انکشاف سازمان های آموزشی که دوره های آموزشی قصیر المدت را برای دوره های تصدیق نامه برای کسانی که از مکتب باز میمانند پیشکش میکنند تا به اسرع وقت مهارت های جوان و افراد بالغ جامعه را که به انکشاف اقتصادی ضروری است کسب کنند</p> <p>7.2 حمایت فعالانه از اهداف تعلیم و تربیه ملی در هر دو معیار بخش خصوصی و همیاری عامه و خصوصی (مقدماتی تا به سطح سومی)</p>	<p>7.0 ایجاد برنامه ها(در هر دو ساحه خصوصی و رهبری همگانی) بخاطر اعمار ظرفیت ها برای کاهش ظرفیت های محدود کننده در فراروی بخش های خصوصی و عامه وجود دارد</p>
<p>8.1 ایجاد انگیزه های لازم حقوقی و مالی که فعالانه باعث تشویق افراد و شرکتهای درجهت حمایت از انکشافات اجتماعی و اقتصادی گردد.</p>	<p>8.0 معرفی تدریجی عملکرد مسولیت اجتماعی و بشردوستی بخش خصوصی (شغل های تجاری و فردی) راهیاب نهادینه شدن تقویه اقتصاد و انکشاف اجتماعی از طریق جامعه مدنی</p>
<p>9.1 شناخت سه پروژه امتحانی تا شیوه های جدید را مورد آزمایش قرار دهد.</p>	<p>9.0 ایجاد اصول دخالت بخش خصوصی در تهیه اشپای همگانی. در جمع سایر اختیارات، پیشرفت نیرومند بخاطر تعریف دسترسی های خاص اکتشافی ایجاد همیاری های همگانی - خصوصی.</p>
<p>10.1 ایجاد " مرجع واحد" تامنحیث یک مرجع عالی و بیطرف به اسرع وقت تنگناهای مورد منازعه را که بخش خصوصی بهدفع مفاد و یا بدون نظر داشت مفاد به آن روبرو می شود روشنی بخشیده خدمات میانجی گری را انجام دهد.</p>	<p>10.0 اشاره دقیق به تنگناهایی که مکرراً گذارش داده شده است و اتخاذ تصمیم عاجال بخاطر روند تصمیم گیری ساده و موثر</p>
<p>11.1 ایجاد یک شورا برای بخش خصوصی (انتقاعی و غیر انتقاعی) تحت اداره رئیس جمهور، که عضویت آن شامل نماینده گان دولت (اداره امور، وزارت های کلیدی، شورای ملی) یا بخش خصوصی (افغانی و یا بین المللی، برای انتقاعی و غیر انتقاعی) و جامعه بین المللی را داشته باشد.</p>	<p>11.0 تأسیس مکانیزمهای سرپرستی تطبیق معیار های ایجاد یک محیط توانمند برای بخش خصوصی شامل انکشاف اجتماعی و اقتصادی در افغانستان، در قدم اول با تأکید روی سفارشات کنفرانس.</p>

- عدم دسترسی به انرژی - بانک جهانی
- مساعدت برای اطفال بی بضاعت (اطفال روی جاده): آشیانه
- محیط عملیاتی برای تشبثات کوچک و متوسط در روستا های افغانستان: فراهم سازی و نا فراهم سازی
- توسعه سریع صادرات میوه خشک و مغزیات: کنسرسیوم میوه خشک و مغز کابل و انگازه لیمتد
- آغاز فعالیت تصدی های خورد و متوسط در ساحات دور و دست افغانستان: توانمند سازی و یا ناتوان سازی
- توسعه دسترسی به خدمات مالی: تجربه مؤسسات مالی
- رهائی کار آفرینی: پرورش محیط توانبخشی برای انکشاف تصدی های خورد و متوسط - اداره انکشافی ملل متحد-افغانستان
- راپور های میزهای مدور با سکتور های تجاری و جامعه مدنی
- چالشهای دسترسی به خدمات مالی بانک جهانی با همکاری بانک انکشاف آسیایی
- اطاق بین المللی تجارت افغانستان: 2006 اجنداء ملی تجاری. کابل.
- کمبود ظرفیت انسانی در سکتور های عامه و خصوصی(برای جامعه مدنی و انتفاعی) - داکتر سارا لیستر
- همکاری بین المللی. 2005. ارزیابی جامعه مدنی افغانستان. واشنگتن، دی سی. USAID
- چالشهای چارچوب حقوقی و مقرراتی برای اداره فعالیت های انتفاعی خصوصی - التای کنسلنتیگ
- هارپیکن. بی.کی، ای سترند و کی. اسک. 2002. جامعه مدنی و افغانستان. توسط وزارت خارجه ناروی به پیش برده میشود، پشاور/برجن
- چالشهای ارایه شده توسط چهار چوب های حقوقی، مقرراتی، اداری و مالی برای اداره جامعه مدنی - مرکز بین المللی برای قانون جامعه مدنی، داکتر لیون. ی. آیرش و پروفیسور کارلا سایمن
- جمهوری اسلامی افغانستان. انجمن انکشافی افغانستان. اپریل 2007. راپور، کابل.
- پوتنشیل مشارکت سکتور خصوصی و عامه در افغانستان - مایکل بارو و مارتین تورنبرگ، مرکز عملیاتی سکتور خصوصی
- جمهوری اسلامی افغانستان. وزارت تجارت و صنایع و مؤسسه بین المللی آدم سمت. اکتوبر 2006. راه یک سرمایه گذار. کابل.
- مسولیت مشترک اجتماعی: تجارت و جامعه مدنی مشترکاً کار مینمایند- مرکز بشر دوستانه پاکستان
- مطالعه قضایا
- او تی ایف گروپ. فیروزی 2005. سروی رهبری افغانستان: مودل های دماغی و محیط تجارت. واشنگتن دی سی: UNAID
- حکومت و سکتور خصوصی مشترکاً کار مینمایند تا صنعت تیلی کام را در افغانستان ایجاد نمایند.
- پتیل، ایس. و روس، اس. 2007. نکته راحت: پیمایش پیشرفت در افغانستان. واشنگتن دی سی: مرکز مطالعات بین المللی و ستراتیژی.
- روغنیات ضروری و خوشبویی های طبیعی: فرصت انکشاف روستایی در افغانستان - گلستان کمپنی آریانا
- پترسن، ای. 2006. رفتن به بازار. تجارت و تجاران در سه سکتور افغانستان. اداره ارزیابی و تحقیقاتی افغانستان.
- انکشاف اقتصادی که در برابر جامعه مسولیت داشته باشد: مودل مزارع شمالی
- بانک جهانی. 2005. محیطسرمایه گذاری در افغانستان. انکشاف فرصت ها در یک محیط نامطمئن. واشنگتن، دی سی: بانک جهانی.
- همکاری سکتور های دولتی و خصوصی در انکشاف اقتصادی: کمپنی جدید تولید شکر (بوره) بغلان
- بانک جهانی. 2007. تجارت در آسیای جنوبی/ پروفایل اقتصادی افغانستان. واشنگتن، دی سی.

1. اوراق سوابق توسط بنیاد انکشافی اگا خان با معاونیت تضمینی دیگر ادارات تهیه شده، مطالعه قضیه توسط بنیاد انکشافی اگا خان و موضوعات مطالعه قضایا. میز های گرد توسط اداره تشویق سرمایه گذاری "بنیاد انکشافی اگا خان (شش واقعه در در چهار شهر افغانستان)، FCCS/ACSF (سازمانهای جامعه مدنی) و بنیاد انکشافی اگا خان (سازمانهای غیر دولتی و شغلهای تجاری بین المللی در افغانستان، افغانهای پراکنده به کانادا و اروپا)
2. یک چالش اضافی حقیقتی است که سه سیستم چارچوکات قضائی در افغانستان رویهم قرار گرفته اند: شریعت، شورا (قضاوت سنتی) و سیستم رسمی به اساس قانون اساسی سال 2004.
3. دولت انتقالی اسلامی افغانستان و سازمانهای بین المللی، تأمین کننده آینده افغانستان: اتمام و راه ستراتیژیک در فراروی تجارت و سرمایه گذاری و سکتور خصوصی (جنوری 2004: نقل قول شده از سارا لیستر و زین الدی کارایف، شناخت بازار ساختمان در افغانستان (کابل: AREU2004)، 24
4. بانک جهانی اقلیم سرمایه گذاری در افغانستان (واشنگتن دی. سی.: 2007) 21
5. وزارت صنایع و تجارت و موسسه بین المللی ادم سمیت، راهبرد سرمایه گذاری (کابل: اکتوبر 2006): 3-4
6. اوراق مربوط سوابق چارچوکات شغل تجاری برای کنفرانس مقدر ساختن محیط.
7. آنا پیترسن، رفتن به مارکیت (کابل: AREU 2006): 18.
8. شغل تجاری در جنوب آسیا: 15
9. شغل تجاری در جنوب آسیا، و بانک جهانی، شغلی تجاری، نمای از اقتصاد: افغانستان (واشنگتن دی. سی.: 2007): 7
10. پیشنهاد رهانی از مالیة همچنان در قانون سرمایه گذاری 2005 بچشم نمیخورد.
11. شغل تجاری در جنوب آسیا: 17
12. یک مبلغ اضافی فیس افزود شد تا مصارف جمعآوری مالیة را تکافو کند.
13. اطاق تجارت امریکائی های افغان تبار مالیة شغلی فهرست اموال را گردآورده اند، نقل قول شده در اطاقهای تجارت بین المللی افغانستان، اجندای شغلهای تجاری ملی (کابل: اگست 2006)
14. طوریکه قبلاً ذکر شد قانون مالیات بر عایدات مقرراتی برا تعیین مالیة بر عواید اشخاص و کمپنی های غیر رسمی که سوابق دقیق شغلی خویشرا حفظ ندارند تا مالیة ذمت خویشرا بپردازند. این گونه اشخاص که تحت عنوان "مالیات ثابت" یاد می شوند بعوض مالیة رسمی مکلفیت پرداخت مالیة های BRT و یا مالیات عایداتی شرکتی را میداشته باشند.
15. بانک جهانی، انجام شغل تجاری (واشنگتن دی. سی.: 2005، 2006)
16. اقلیم سرمایه گذاری در افغانستان
17. آنا پیترسن، رفتن به مارکیت (کابل: AREU 2006): 33.
18. شغل تجاری در جنوب آسیا: 18
19. مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین المللی، نقطه مقطعی: سنجش پیشرفت در افغانستان (واشنگتن، دی. سی. 23 فبروری 2007) 54-53
20. شغل تجاری در جنوب آسیا، انجام تجارت نمای اقتصادی افغانستان: 7
21. اقلیم سرمایه گذاری در افغانستان
22. سروی بخش غیر رسمی، انجام یافته توسط اداره مشورتی التائی (Altai Consulting) برای وزارت صنایع و تجارت/موسسه بین المللی ادم سمیت، می- اگست 2006.
23. قانون سرمایه گذاری خصوصی 2005 حکمیت بین المللی را در صورت منازعه در مورد سرمایه گذاری خارجی پیش بینی میکند
24. درحقیقت چنین چیزی در مزار شریف و هرات واقع شده است. درین ولایات از طریق ارتباطات بین خودی با کشورهای همسایه عرضه وافر موجود است، اما شبکه توزیع محلی عرضه موجود را انتقال داده نمی توانند.
25. با تکیه به چندین منابع آبی در افغانستان انرژی برقی از پروژه های کوچک آبی منحیث بدیل در اکثر قریه جات آماده شده است. با این حساب که به 150 فامیلی از قرار توزیع انرژی به 20 نفر افغان یک کیلووات برق، پروژه های کوچک تولید برق آبی در تهیه برق به شغل های کوچک و فامیل ها کم صرفه و پائینی است. باوجودیکه اینگونه پروژه ها نیز به موانع مواجه اند: نبود منابع تمویل (بشمول سیستم قسطی غیر پیش بینی شده تحت اداره ملی همیسنگی)، ظرفیت ضعیف تخنیک/عدم فرصتهای آموزشی، و حمایت ضعیف از نوآوری ها.
26. انجام شغل تجاری در جنوب آسیا. باتصویب قوانین که تحت کار است، 2007 نشانه ها پیش بینی بهبود چشمگیر.
27. اجندای شغل تجاری ملی (کابل: اگست 2006)
28. بصورت مقایسوی، در هزد 17 فیصد آموزش کارخانجات کوچک. اقلیم سرمایه گذاری در افغانستان
29. وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا ومعلولین، ستراتیژی انکشاف مهارتهای ملی (کابل: 14 اپریل 2007)
30. وسیعاً منحیث خدمات تعلیمی تعریف شده، خدماتیکه توسط سازمانهای غیر دولتی، سازمانهای عقیدتی، مکاتب شخصی انتفاعی، مکاتب شخصی غیر انتفاعی، مکاتب اجتماعی و بشردوستانه.
31. دستافنو، شوش مورو، بلوانز و هات وال. اجلاس (EFA) رسیدن به نتیجه غیر مطلوب از طریق مکاتب نمونوی مئمی آموزش مؤثر اداره کمکهای بین المللی امریکا (واشنگتن دی. سی.: 2006)
- De Stefano, J., Schuh Moore, A., Balwanz, D. and Hartwell, A. *Meeting EFA: Reaching the Underserved through Complementary Models of Effective Schooling*. USAID. (Washington DC: 2006)
32. بطور مثال بخش پروگرامهای مکتب روشن، بنیاد بیات، انجمن زنان تجارت پیشه افغان، گروپ الداوی، جامعه تجاری چای الکوزی در هرات.
33. نقش بخش خصوصی در تهیه زیربنا در کشورهای بعد از بحران: انتخاب نمونه و پالیسی. اوراق انکشاف اجتماعی بانک جهانی (واشنگتن دی. سی. اگست 2004)
34. گروپ OTF اداره انکشاف بین المللی افغانستان سروی رهبری در افغانستان اداره انکشاف بین المللی امریکا،: مودل ها ذهنی و محیط شغل تجاری، پروژه های رقابتی افغانستان (واشنگتن دی. سی. فبروری 2005)
35. بطور مثال علی الرغم ستراتیژی های جدید بخاطر اصلاح اداره، در اکثر وزارتخانه ها و ادارات ولایات تا به هنوز نقش روشن و مرجع قیاسی وجود نداشته، چارچوکات تکه تکه ای قانونی فعالیتهای این نهادها را محدود و یا تعریف میکند. عدم روشنی در قانون و طرز العمل که موجب پوشانیدن مبارزه بین شخصیت های دولتی و تشویق ایجاد نهادهای متعدد موازی که همه عین فعالیت را انجام میدهند میگردد. عدم موجودیت ظرفیت های بامهارت و روند نهادینه سازی بخصوص در اداره عامه، توانائی های دولت را در تطبیق برنامه هایش بخصوص در ساختار ماتحت ملی تحت شعاع قرار میدهد" مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین المللی نقطه مقطعی مقیاس پیشرفت در افغانستان (واشنگتن دی. سی. 23 فبروری 2007)